



همسر وفادار و مهربانم

«سید محمدعلی جنانی»

عمه بزرگوارم، عمه شهربانو

و همه عمه‌های خوب و مهربون، آن‌ها که فرزندان برادرشون رو
از جان و دل دوست دارند و با دیدنشون بسیار ذوق می‌کنند.

«علی جعفری‌ندوشن»

مقدمه ناشر

ماجرای من و عربی ۲

سکوت را می‌پذیرم
اگر بدانم روزی با تو سخن خواهم گفت
تیره‌بختی را می‌پذیرم
اگر بدانم روزی چشم‌های تو را خواهم سرود
مرگ را می‌پذیرم
اگر بدانم روزی تو خواهی فهمید که دوستت دارم!

این‌که کتاب آسمانی ما به زبان عربیه و ما به عنوان مسلمان حداقل باید عربی رو در حد فهم قرآن بلد باشیم، اظهر من الشمسه. اما یک چیز باحال دیگه‌ای هم هست که فقط نصیب کسانی می‌شه که به زبان عربی مسلط‌ترن و اون لذت‌بردن از ادبیات غنی و پر از احساس عربیه. حتی خیلی از ابیات شاعران خودمون (مثل حافظ، سعدی و ...) هم به زبان عربیه. با این مقدمه می‌خوام سؤال مهمی رو مطرح کنم. به نظرتون آیا مردمی که چنین ادبیات اصیل و نابی دارن می‌تونن بدجنس و ظالم و ... باشن؟ و آیا فکر نمی‌کنید که این حسی که بعضی از ما نسبت به اعراب^۲ و به دنبال اون نسبت به زبان عربی داریم بیشتر یک سوءتفاهمه؟ جا داره بیشتر فکر کنیم - تا بعد!

از ته ته قلبم ممنونم از همه کسانی که برای این کتاب زحمت کشیدن، به ویژه مؤلفان توانمند عربی آقایان سید محمدعلی جنانی و علی جعفری ندوشن و در واحد تألیف: خانم‌ها زهرا جالینوسی، سیده مریم طاهری و آقای مهدی هاشمی و بقیه بروبچه‌های کاردرست خیلی سبز در واحد تولید.

۱- ترجمه شعری از شاعر و عارف عرب‌زبان، جبران خلیل جبران

۲- منظور من از اعراب، مردم عرب‌زبان، نه دولت‌های عرب که اصلن راجع به دولت‌ها بحث و نظری ندارم.

مقدمه مؤلفان

«به نام آن که جان را فکرت آموخت»

خداوند متان را سپاسگزاریم که به ما توفیقی دوباره عطا فرمود تا در حدّ توان به آینده‌سازان این مرز و بوم خدمت کنیم. کتابی که پیش روی شماست، حاصل تلاش بی‌وقفه ما و همکاران تلاشگرمان در انتشارات خیلی‌سبز است. این کتاب که با هدف تسهیل در امر آموزش عربی پایه یازدهم به رشته تحریر درآمده است در حقیقت ویرایشی جدید از کتاب قبلی با کلی تغییرات و اضافات مفید است؛ به همین منظور در بیان مطالب، همه تلاش خود را به کار گرفته‌ایم تا در عین سادگی و روانی، هیچ نکته‌ای از نکات کتاب ناگفته نماند و همه دانش‌آموزان عزیز به راحتی بتوانند با خواندن این کتاب، خود را به طور کامل برای آزمون‌های مختلف (میان‌ترم، پایان‌ترم و ...) آماده کنند.

اما ویژگی‌های این کتاب:

مروری جامع بر قواعد عربی دهم به همراه نکات ترجمه‌ای آن.

۱- درس‌نامه‌هایی جامع، دقیق و روان، همراه با نکات مورد نیاز

۲- ارائه واژه‌نامه هر درس واژگان مترادف، متضاد و جمع‌های مکسر، قبل از متن درس

۳- ترجمه واژه به واژه متن دروس به همراه ترجمه روان آن‌ها

۴- بیان نقش‌های مهم کلمات متن هر درس (المحلّ الإعرابی)، نوع فعل‌ها و اسم‌های مهم و نیز اشاره به نکات ترجمه‌ای مورد نیاز

۵- پاسخ تشریحی و کامل همه تمرین‌ها و سؤالات هر درس

۶- نمونه سؤالات امتحانی («تألیفی» و برگرفته از امتحانات مدارس کشور) به صورت درس‌به‌درس و همراه با پاسخ تشریحی

۷- خلاصه جامع درس‌نامه‌ها + ضمیمه (چگونگی ساخت فعل‌های پُرکاربرد فارسی مورد نیاز در ترجمه‌های عربی به فارسی)

۸- لغت‌نامه

۹- مشاوره شب امتحان به همراه بارم‌بندی کلی سؤالات

۱۰- ارائه ۶ نمونه امتحان به همراه پاسخ‌های تشریحی (۲ نمونه امتحان نیم‌سال اول + ۲ نمونه امتحان نیم‌سال دوم + ۲ آزمون صبح

و عصر نهایی خرداد ۱۴۰۲)

در پایان از همه دوستان و عزیزانی که برای این کتاب شبانه‌روز زحمت کشیدند تا این کتاب با بهترین کیفیت به دستتان برسد، صمیمانه سپاس‌گزاریم:

از آقایان دکتر ابودر و کامیل نصری؛ مدیران کاردان و خوش‌فکر انتشارات خیلی‌سبز

و در واحد تألیف، از آقای مهندس هاشمی بزرگوار، مدیر محترم تألیف و خانم‌ها زهرا جالینوسی، سیده مریم طاهری و انسبیه‌سادات میرجعفری؛ و سایر همکاران در واحد تولید.

منتظر نظرات، پیشنهادات و انتقادات سازنده شما هستیم.

سید محمدعلی جنانی

علی جعفری‌ندوشن

فهرست

مرور قواعد

۷



ترجمه درس: مِنْ آيَاتِ الْأَخْلَاقِ
 ۲۶
 ۳۰
 ۳۲
 ۳۷
 تمارين درس اول
 سؤال‌های امتحانی
 پاسخ سؤال‌های امتحانی

الدَّرْسُ الْأَوَّلُ: مِنْ آيَاتِ الْأَخْلَاقِ

قواعد: اِسْمُ التَّفْضِيلِ وَ اِسْمُ الْمَكَانِ / اسم تفضیل و اسم مکان ۱۹
 واژگان ۲۴

۴۵

ترجمه درس: فِي مَحْضَرِ الْمُعَلِّمِ

۴۹

تمارين درس دوم

۵۲

سؤال‌های امتحانی

۵۷

پاسخ سؤال‌های امتحانی

الدَّرْسُ الثَّانِي: فِي مَحْضَرِ الْمُعَلِّمِ

قواعد: اَسْلُوبُ الشَّرْطِ وَ اَدَوَاتُهُ / اسلوب شرط و ادوات آن ۴۱
 واژگان ۴۳



ترجمه درس: عَجَائِبُ الْأَشْجَارِ
 ۶۶
 ۷۱
 ۷۴
 ۸۰
 تمارين درس سوم
 سؤال‌های امتحانی
 پاسخ سؤال‌های امتحانی

الدَّرْسُ الثَّلَاثُ: عَجَائِبُ الْأَشْجَارِ

قواعد: اَلْمَعْرِفَةُ وَ النَّكِرَةُ / معرفه و نكره ۶۱
 واژگان ۶۴

۸۸

ترجمه درس: آدَابُ الْكَلَامِ

۹۱

تمارين درس چهارم

۹۴

سؤال‌های امتحانی

۱۰۰

پاسخ سؤال‌های امتحانی

الدَّرْسُ الرَّابِعُ: آدَابُ الْكَلَامِ

قواعد: اَلْجُمْلَةُ بَعْدَ النَّكِرَةِ / جمله بعد از اسم نكره ۸۴
 واژگان ۸۶



ترجمه درس: اَلْكَذْبُ
 ۱۰۷
 ۱۱۲
 ۱۱۴
 ۱۲۰
 تمارين درس پنجم
 سؤال‌های امتحانی
 پاسخ سؤال‌های امتحانی

الدَّرْسُ الْخَامِسُ: اَلْكَذْبُ

قواعد: تَرْجَمَةُ الْفِعْلِ الْمُضَارِعِ (۱) / ترجمه ... ۱۰۴
 واژگان ۱۰۶

۱۳۱

ترجمه درس: اَنَّهُ مَارِي شَيْمِلِ

۱۳۴

تمارين درس ششم

۱۳۹

سؤال‌های امتحانی

۱۴۵

پاسخ سؤال‌های امتحانی

الدَّرْسُ السَّادِسُ: اَنَّهُ مَارِي شَيْمِلِ

قواعد: تَرْجَمَةُ الْفِعْلِ الْمُضَارِعِ (۲) / ترجمه ... ۱۲۴
 واژگان ۱۲۹



ترجمه درس: تَأْتِيرُ اللُّغَةِ الْفَارِسِيَّةِ عَلَى اللُّغَةِ الْعَرَبِيَّةِ
 ۱۵۴
 ۱۵۹
 ۱۶۲
 ۱۶۸
 تمارين درس هفتم
 سؤال‌های امتحانی
 پاسخ سؤال‌های امتحانی

الدَّرْسُ السَّابِعُ: تَأْتِيرُ اللُّغَةِ الْفَارِسِيَّةِ عَلَى اللُّغَةِ الْعَرَبِيَّةِ

قواعد: مَعَانِي الْأَفْعَالِ النَّاقِصَةِ / معانی افعال ... ۱۵۰
 واژگان ۱۵۳

۱۷۷

مشاوره شب امتحان

۱۷۲

آشنایی با برخی افعال فارسی

۱۷۳

خلاصه درس‌ها

شماره صفحه امتحان شماره صفحه پاسخ

۱۸۰

۱۷۸

امتحان شماره (۱): نمونه امتحان نیم‌سال اول

۱۸۴

۱۸۲

امتحان شماره (۲): نمونه امتحان نیم‌سال اول

۱۸۸

۱۸۶

امتحان شماره (۳): نمونه امتحان نیم‌سال دوم

۱۹۲

۱۹۰

امتحان شماره (۴): نمونه امتحان نیم‌سال دوم

۱۹۶

۱۹۴

امتحان شماره (۵): نمونه امتحان نیم‌سال دوم - نهایی خرداد ۱۴۰۲ (نوبت صبح)

۲۰۰

۱۹۷

امتحان شماره (۶): نمونه امتحان نیم‌سال دوم - نهایی خرداد ۱۴۰۲ (نوبت عصر)

مرور قواعد

مروری بر مهم ترین قواعد عربی متوسطه اول

اسم از نظر جنس

در عربی هر اسمی جنسیت دارد، یعنی یا «مذکر» است یا «مؤنث». اسم‌های مذکر معمولاً علامتی ندارند، ولی اسم‌های مؤنث علامت دارند و پرکاربردترین آن، داشتن «ة، ة» در آخر اسم است.

مثال: طالب ← مذکر / طالِبَة ← مؤنث

اسم از نظر تعداد

در عربی اسم‌ها از نظر تعداد به سه دسته تقسیم می‌شوند:

۱) **مفرد:** اسمی است که بر یک شخص یا یک چیز دلالت می‌کند و هیچ علامتی ندارد.

مثال: رَجُل / مرد / طالِبَة: دانش آموز

۲) **مثنی:** اسمی است که بر دو شخص یا دو چیز دلالت می‌کند و با افزودن علامت‌های «ان» یا «ین» به آخر اسم مفرد ساخته می‌شود.

مثال: رَجُلان ← رَجُلانِ (دو مرد)

۳) **جمع:** اسمی است که بر بیش از دو شخص یا دو چیز دلالت می‌کند و خود به دو دسته «سالم» و «مکسر» تقسیم می‌شود:

۱- جمع سالم مذکر (جمع مذکر سالم): این جمع با افزودن علامت‌های «ون» یا «ین» به آخر اسم مفرد ساخته می‌شود.

مثال: مُعَلِّم ← مُعَلِّمون / مُعَلِّمین (معلم‌ها)

۲- جمع سالم مؤنث (جمع مؤنث سالم): این جمع با افزودن «ات» به آخر اسم مفرد ساخته می‌شود.

مثال: مُعَلِّمَة ← مُعَلِّمات (معلم‌ها) / سَلال ← سَلالات (آبشارها)

ب) **جمع مکسر (شکسته):** در این نوع از جمع‌ها، شکل مفرد کلمه، «شکسته» شده و تغییر می‌کند. این نوع از جمع‌ها علامت خاصی ندارند و باید حفظ شوند.

مثال: تَلْمِیذ ← تَلْمِیذ (دانش آموزان) / عِبرَة ← عِبر (پندها)

نکته

برخی اسم‌ها با این که آخرشان «ات» دارد، جمع مؤنث سالم نیستند، بلکه «جمع مکسر» می‌باشند.

مثال: آیات مفرد ← بیئت مفرد / أصوات مفرد ← صؤت مفرد / أوقات مفرد ← وقت / أموات مفرد ← مِیت، مِیت

اسم‌های اشاره

این اسم‌ها برای اشاره کردن به کسی یا چیزی به کار می‌روند و به دو نوع تقسیم می‌شوند: ۱) اشاره به نزدیک ۲) اشاره به دور. در جدول مقابل با اسم‌های اشاره و معنای آن‌ها آشنا می‌شوید:

جمع	مثنی	مفرد		
هؤلاء	هَذَانِ - هَذَینِ	هَذَا	مذکر	اشاره به نزدیک
هؤلاء	هَاتَانِ - هَاتِینِ	هَذِهِ	مؤنث	
این‌ها (اینان)	این دو	این	معنا	
				اشاره به دور
	-	ذَلِكَ	مذکر	
	-	تِلْكَ	مؤنث	
آن‌ها (آنان)	-	آن	معنا	

- ۱ دو واژه «هنا: این‌جا» و «هناك: آن‌جا» نیز از اسم‌های اشاره به شمار می‌روند. با این تفاوت که این اسم‌های اشاره، مخصوص اشاره به «مکان» هستند. واژه «هنا» برای اشاره به «نزدیک» و واژه «هناك» برای اشاره به «دور» به کار می‌رود.
- ۲ هرگاه کلمه پس از اسم اشاره، «ال» نداشته باشد، اسم اشاره طبق صیغه خود ترجمه می‌شود؛ یعنی اگر مفرد است، به صورت مفرد، اگر مثنی است، به صورت مثنی و اگر جمع است، به صورت جمع ترجمه می‌شود. دقت کنید که اسم‌های مثنی را در فارسی می‌توان به صورت جمع نیز ترجمه کرد، زیرا در فارسی اسم یا مفرد است یا جمع!

مثال هُوَلاءِ طَلَّابٍ: این‌ها دانش‌آموز هستند.

اما اگر کلمه پس از اسم اشاره «ال» داشته باشد، اسم اشاره همواره به صورت «مفرد» ترجمه می‌شود.

مثال هُوَلاءِ الطَّلَّابِ ...: این دانش‌آموزان ...

ضمیر

کلمه‌ای است که جانشین اسم می‌شود تا از تکرار آن جلوگیری کند. در عربی ضمیر ۱۴ صیغه (ساخت) دارند و به دو دسته کلی «مُتَفَصِّل: جدا» و «مُتَّصِل: چسبیده» تقسیم می‌شوند.
در جدول زیر با این دو نوع ضمیر و ترجمه آن‌ها آشنا می‌شویم:

ضمیر						
ترجمه فارسی	مُتَّصِل		ترجمه فارسی	مُتَفَصِّل		شخص
	مؤنث	مذکر		مؤنث	مذکر	
ـ م، ـ من	ي		من	أنا		مفرد (متکلم وحده)
ـ مان، ـ ما	نا		ما	نحنُ		مثنی و جمع (متکلم مع‌الغیر)
ـ ت، ـ تو	ك	كَ	تو	أنتِ	أنتَ	مفرد
ـ تان، ـ شما (دو نفر)	كُما	كُما	شما (دو نفر)	أنتُما	أنتُما	مثنی
ـ تان، ـ شما (چند نفر)	كُنَّ	كُهم	شما (چند نفر)	أنتُنَّ	أنتُهم	جمع
ـ ش، ـ او	ها	ه	او	هي	هو	مفرد
ـ شان، ـ ایشان (دو)	هُما	هُما	ایشان (آن دو)	هُما	هُما	مثنی
ـ شان، ـ ایشان (آن‌ها)	هُنَّ	هُهم	ایشان (آن‌ها)	هُنَّ	هُهم	جمع

انواع فعل از نظر زمان

۱ **فعل ماضی:** فعلی است که بر زمان «گذشته» دلالت دارد. این فعل ۱۴ صیغه (ساخت) دارد.

مثال جَلَسْتُ: نشستم / قُلْتُم: گفتید

۲ **فعل مضارع:** فعلی است که بر زمان «حال» یا «آینده» دلالت دارد. برای ساختن فعل مضارع از یکی از حروف مضارعه «أَتَيْنَ» (أ، ت، ی، ن) قبل از فعل ماضی استفاده می‌شود.^۱

مثال جَلَسَ (نشست) مضارع أَجْلِسُ (می‌نشینم)، تَجْلِسُ (می‌نشیند)، يَجْلِسُ (می‌نشیند)، نَجْلِسُ (می‌نشینیم)

فعل مستقبل (آینده): فعلی است که فقط بر زمان «آینده» دلالت دارد و با افزودن یکی از حروف «س» یا «سَوْفَ» پیش از «فعل مضارع» ساخته می‌شود و در ترجمه آن از «خواه + شناسه + فعل ماضی فعل مورد نظر» استفاده می‌کنیم.

مثال سَ + أَجْلِسُ = سَأَجْلِسُ: خواهم نشست / سَوْفَ + تَقُولُونَ = سَوْفَ تَقُولُونَ: خواهید گفت

۳ **فعل امر:** فعلی است که معمولاً برای دستور، توصیه یا خواهش به کار می‌رود.

مثال اجْلِسْ: بنشین / قُولُوا: بگویید

انواع فعل در زبان فارسی «گذشته»، «حال» و «آینده» با انواع آن در زبان عربی از نظر تقسیم‌بندی اندکی تفاوت دارد. در زبان عربی، فعل «مستقبل (آینده)» و فعل «نهی»، هر دو زیرمجموعه فعل «مضارع» به شمار می‌روند.

۱- به چهار حرف «أ، ت، ی، ن»، «حروف مضارعه» گفته می‌شود، زیرا به وسیله این چهار حرف، از چهارده صیغه فعل ماضی، چهارده صیغه فعل مضارع ساخته می‌شود.



آموزش قواعد و مفاهیم درس

اسم تفضیل و اسم مکان

در این درس می‌خواهیم با دو اسم پُر کاربرد و مهم در زبان عربی آشنا شویم که در زبان فارسی نیز به کار می‌رود: **الف** اسم تفضیل **ب** اسم مکان.

۱- اسم تفضیل

در زبان عربی برای نشان دادن مفهوم برتری از اسمی به نام «اسم تفضیل» استفاده می‌کنیم که معادل «صفت برتر» و «صفت برترین» در زبان فارسی است. در زبان فارسی برای ساختن صفت «برتر» و «برترین» از فرمول زیر استفاده می‌کنیم:



صفت + تر ← صفت برتر (تفضیلی)
 صفت + ترین ← صفت برترین (عالی)
مثال: زیبا + تر ← زیباتر
 زیبا + ترین ← زیباترین

ساختار اسم تفضیل

اسم تفضیل از نظر ساختار و جنس به دو بخش تقسیم می‌شود:

الف اسم تفضیل مذکر (بر وزن «أفعل»)
 (فُئِب، هالا بریم ببینیم هر یک از این اِسْمای تفضیل، چه ویژگی‌هایی دارند!)

الف) اسم تفضیل مذکر

این نوع از اسم تفضیل بر وزن «أفعل» ساخته می‌شود و بسیار پُر کاربردتر از وزن مؤنث آن است. به مثال‌های زیر درباره مفهوم اسم تفضیل و ترجمه آن در زبان فارسی توجه کنید:

- مثال:** کبیر: بزرگ
 صفت
 اسم تفضیل بر وزن «أفعل»
 ۱- أَكْبَرُ: بزرگ‌تر (صفت برتر)
 ۲- أَكْبَرُ: بزرگ‌ترین (صفت برترین)
- حَسَن:** خوب
 صفت
 اسم تفضیل بر وزن «أفعل»
 ۱- أَحْسَنُ: خوب‌تر (صفت برتر)
 ۲- أَحْسَنُ: خوب‌ترین (صفت برترین)

طرح به سؤال مهم: چه پوری تشفیص بدیم که اسم تفضیل رو چه وقت به صورت «صفت برتر» و چه وقت به صورت «صفت برترین» ترجمه کنیم؟

پاسخ: هر وقت پس از اسم تفضیل، حرف بِرّ «مِن» را رو دیدین، اسم تفضیل رو به صورت «صفت برتر» ترجمه کنین و هر وقت پس از اون، مضاف الیه دیدین، اسم تفضیل رو به شکل «صفت برترین» ترجمه کنین؛ یعنی:

صفت برتر (تفضیلی): **أفعل + مِن + ...**

صفت برترین (عالی): **أفعل + مضاف الیه + ...**

حال به چند مثال و نحوه ترجمه اسم تفضیل توجه کنید:

مثال ۱: **أَسِيَا أَكْبَرُ مِنْ أُورُوْتَا:** آسیا بزرگتر از اروپا است.

اسم تفضیل حرف بِرّ صفت برتر حرف اضافه

ب: **أَسِيَا أَكْبَرُ فَازَاتِ الْعَالَمِ:** آسیا بزرگترین قاره‌های جهان است.

اسم تفضیل مضاف الیه صفت برترین

ج: **أَسِيَا أَكْبَرُ فَازَةٍ فِي الْعَالَمِ:** آسیا بزرگترین قاره در جهان است.

اسم تفضیل مضاف الیه صفت برترین

مثال ۲: **جَبَلٌ دَمَاوَنْدٌ أَعْلَى مِنْ جَبَلِ دِنَا:** کوه دماوند بلندتر از کوه دناست.

اسم تفضیل حرف بِرّ حرف اضافه صفت برتر

ب: **جَبَلٌ دَمَاوَنْدٌ أَعْلَى جِبَالِ إِيرَانِ:** کوه دماوند بلندترین کوه‌های ایران است.

اسم تفضیل مضاف الیه صفت برترین

ج: **جَبَلٌ دَمَاوَنْدٌ أَعْلَى جَبَلٍ فِي إِيرَانِ:** کوه دماوند بلندترین کوه در ایران است.

اسم تفضیل مضاف الیه صفت برترین

مثال ۳: **أَفْضَلُ النَّاسِ أَنْفَعُهُمْ لِلنَّاسِ:** بهترین مردم سودمندترینشان برای مردم است.

اسم تفضیل مضاف الیه اسم تفضیل مضاف الیه صفت برترین صفت برترین

مثال ۴: **هَذَا أَكْبَرُ مِنْ ذَلِكَ:** این از آن بزرگتر است.

اسم تفضیل حرف بِرّ صفت برتر

مثال ۵: **سُورَةُ الْبَقَرَةِ أَكْبَرُ سُورَةٍ فِي الْقُرْآنِ:** سوره بقره بزرگترین سوره در قرآن است.

اسم تفضیل مضاف الیه صفت برترین

نکته مهم

گاهی وزن اسم تفضیل «مذکر» کمی با حالت اصلی خودش (وزن «أفعل») فرق می‌کند و به شکل‌های زیر به کار می‌رود:

أَحَبُّ: (۱) محبوب‌تر (۲) محبوب‌ترین

صفت برتر صفت برترین

أَقْلُّ: (۱) کم‌تر (۲) کم‌ترین

صفت برتر صفت برترین

أَهَمُّ: (۱) مهم‌تر (۲) مهم‌ترین

صفت برتر صفت برترین

أَعْلَى: (۱) بلندتر (۲) بلندترین

صفت برتر صفت برترین

أَعْلَى: (۱) گران‌تر (۲) گران‌ترین

صفت برتر صفت برترین

أَحْلَى: (۱) شیرین‌تر (۲) شیرین‌ترین

صفت برتر صفت برترین

(آله‌کمی دقت کنین، متوجه می‌شین که سه تایی اولی، یعنی «أَعْلَى، أَغْلَى و أَمْلَى» بر وزن تغییر یافته «أَفْعَى» هستن و سه تایی آخری، یعنی «أَقْلَب، أَقْل و أَهَم» بر وزن تغییر یافته «أَقْل».)

مثال ۶: **الْتَّعَسَلُ أَحْلَى مِنْ التَّمْرِ:** عسل شیرین‌تر از خرما است.

اسم تفضیل حرف بِرّ صفت برتر

ب: **الْتَّعَسَلُ أَحْلَى طَعَامٍ زَائِنُهُ حَتَّى الْآنَ:** عسل شیرین‌ترین خوراکی‌ای است که تاکنون دیده‌ام.

اسم تفضیل مضاف الیه صفت برترین

۱- گاهی حرف جرّ «مِن» پس از اسم تفضیل نمی‌آید، ولی اسم تفضیل هم‌چنان به صورت «صفت برتر» (تفضیلی) ترجمه می‌شود! مثال: **الْصَّدَقُ حَسَنٌ وَلَكِنْ فِي الْمُؤْمِنِينَ أَحْسَنُ:** راستگویی خوب است، ولی در مؤمنان خوب‌تر است.

صفت برتر

اسم تفضیل

جمع اسم تفضیل (مذکر)

غالباً جمع اسم تفضیل «أَفْعَل» بر وزن «أَفْعَال» می آید؛ مانند:

أَكْبَرُ جمع / أَكْبَرُ / أَفْضَلُ جمع / أَفْضَلُ / أَحْسَنُ جمع / أَحْسَنُ / أَعْظَمُ جمع / أَعْظَمُ / أَرْذَلُ جمع / أَرْذَلُ
مثال: إِذَا مَلَكَ الْأَرَاذِلُ هَلَكَ الْأَفْضَالُ. [«أَرَاذِل» جمع «أَرْذَل»، و «أَفْضَال» جمع «أَفْضَل» است.]
 «هرگاه فرومایگان فرمانروا شوند (به فرمانروایی برسند)، شایستگان نابود می شوند.»

ب) اسم تفضیل مؤنث

مؤنث اسم تفضیل بر وزن «فَعْلَى» می آید؛ مانند:

فَاطِمَةُ الْكُبْرَى (فاطمه بزرگ‌تر) / زَيْنَبُ الصَّغْرَى (زینب کوچک‌تر) / مَرْيَمُ الْفُضْلَى (مریم فاضل‌تر)
 مؤنث مؤنث مؤنث مؤنث مؤنث مؤنث

مؤنث (بر وزن «فَعْلَى»)	مذکر (بر وزن «أَفْعَل»)	اسم تفضیل
كُبْرَى	أَكْبَرُ	
صَّغْرَى	أَصْغَرُ	
حُسْنَى	أَحْسَنُ	

❗ بر نیست بدونین که اسم تفضیل در حالت مقایسه بین «دو اسم مؤنث» معمولاً بر همون وزن مذکر «أَفْعَل» میاد؛ یعنی:

اسم مؤنث + أَفْعَل + مین + اسم مؤنث
 اسم تفضیل مذکر

مثال: فَاطِمَةُ الْكُبْرَى مین زَيْنَبُ الصَّغْرَى: فاطمه بزرگ‌تر از زینب است.

اسم مؤنث اسم تفضیل مذکر اسم مؤنث

حالات توبگو

عَيْنِ اسْمِ التَّفْضِيلِ فِي الْعِبَارَاتِ التَّالِيَةِ، ثُمَّ تَرْجِمُهُ. (اسم تفضیل را در عبارات زیر مشخص کن، سپس آن را ترجمه کن.)

- 1- الْغَيْبَةُ مِنْ أَهَمِّ أَسْبَابِ قَطْعِ التَّوَاصُلِ بَيْنَ النَّاسِ. (ب) أَهَمُّ (مهم‌ترین)
 ترجمه عبارت: غیبت از مهم‌ترین علت‌های قطع ارتباط میان مردم است.
- 2- قَارَةٌ أَسِيَا أَكْبَرُ مِنْ قَارَةِ أُوْرُوْبَا. (ب) أَكْبَرُ (بزرگ‌تر)
 ترجمه عبارت: قاره آسیا از قاره اروپا بزرگ‌تر است.
- 3- أَقْرَبُ النَّاسِ إِلَى اللَّهِ أَتْقَاهُمْ. (ب) أَقْرَبُ (نزدیک‌ترین) / أَتْقَى (پرهیزگارترین) / أَتْقَاهُمْ = أَتَّقَى + هُمْ
 ترجمه عبارت: نزدیک‌ترین مردم به خداوند، پرهیزگارترین آن‌هاست.
- 4- أَنْفَعُ النَّاسِ لِلنَّاسِ، أَحَبُّهُمْ إِلَى اللَّهِ. (ب) أَنْفَعُ (سودمندترین) / أَحَبُّ (دوست‌داشتنی‌ترین)
 ترجمه عبارت: سودمندترین مردم برای مردم، دوست‌داشتنی‌ترین آن‌ها نزد خداست.
- 5- أَكْبَرُ الْعَيْبِ، أَنْ تَعِيبَ مَا فِيكَ مِثْلَهُ. (ب) أَكْبَرُ (بزرگ‌ترین)
 ترجمه عبارت: بزرگ‌ترین عیب آن است که از چیزی عیب بگیری که مانند آن در خودت هست.

اخْتَبِرْ نَفْسَكَ (خودت را بیازمای)

تَرْجِمِ الْأَحَادِيثَ التَّالِيَةَ، ثُمَّ صَعِّ خَطًّا تَحْتَ اسْمِ التَّفْضِيلِ. (احادیث زیر را ترجمه کن، سپس زیر اسم تفضیل خطی قرار بده.)

- 1- سَأَلَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ: مَنْ أَحَبَّ النَّاسَ إِلَى اللَّهِ؟ قَالَ: أَنْفَعُ النَّاسِ لِلنَّاسِ.
 اسم تفضیل اسم تفضیل
 (از رسول خدا ﷺ پرسیده شد: محبوب‌ترین مردم نزد خدا کیست؟ فرمود: سودمندترین مردم برای مردم است.)
- 2- أَحْسَنُ زِينَةِ الرَّجُلِ السَّكِينَةُ مَعَ إِيْمَانٍ. رَسُولُ اللَّهِ ﷺ (ب) بَهْتَرِينَ زِينَتِ مَرْدٍ (انسان)، آرامش همراه با ایمان است.
 اسم تفضیل
- 3- أَفْضَلُ الْأَعْمَالِ الْكَسْبُ مِنَ الْخَلَالِ. رَسُولُ اللَّهِ ﷺ (ب) بَهْتَرِينَ كَسْبِ [روزی] از حلال است.
 اسم تفضیل

اسم‌ها چگونه بسته می‌شوند؟

ردیف	اسم مکان	وزن	ترجمه	جمع
۱	مَلْعَب	مَفْعَل	ورزشگاه (زمین بازی)	مَلَاعِب
۲	مَطْعَم	مَفْعَل	رستوران	مَطَاعِم
۳	مَصْنَع	مَفْعَل	کارخانه	مَصَانِع
۴	مَطْبَخ	مَفْعَل	آشپزخانه	مَطْبَخ
۵	مَنْزِل	مَفْعَل	منزل، خانه	مَنْازِل
۶	مَكْتَبَة	مَفْعَلَة	کتابخانه	مَكَاتِب
۷	مَطْبَعَة	مَفْعَلَة	چاپخانه	مَطَابِع
۸	مَخْزَن	مَفْعَل	انبار	مَخَارِزِن
۹	مَتْجَر	مَفْعَل	فروشگاه، مغازه	مَتَاجِر
۱۰	مَدْرَسَة	مَفْعَلَة	مدرسه	مَدَارِس
۱۱	مَدْخَنَة	مَفْعَلَة	دودکش	مَدَاخِن
۱۲	مَزْرَعَة	مَفْعَلَة	مزرعه، کشتزار	مَزَارِع
۱۳	مَشْرِق	مَفْعَل	محل طلوع	مَشَارِق

اسم مکان بر وزنِ «مَفْعَل» جمع بسته می‌شود؛ مانند: مَسَاجِد (جمعِ «مَسْجِد») و مَحَاكِم (جمعِ «مَحْكَمَة»).

در جدول روبه‌رو تعدادی از اسم‌های مکان آمده است. به وزن، صورت جمع و ترجمه آن‌ها توجه کنید:

نکته

ملاک و معیار تشخیص اسم فاعل، اسم مفعول، اسم مبالغه، اسم تفضیل و اسم مکان همواره شکلِ «مفرد» آن واژه است؛

مثال: طَلَّاب (مفرد) ← طالب «بر وزنِ فاعِل» ← اسم فاعل أَفْضَل (مفرد) ← أَفْضَل «بر وزنِ أَفْعَل» ← اسم تفضیل
مَزَارِع (مفرد) ← مَزْرَعَة «بر وزنِ مَفْعَلَة» ← اسم مکان

حالات و بگو

عَبَّرَ اسْمَ الْمَكَانِ فِي الْعِبَارَاتِ التَّالِيَةِ، ثُمَّ تَرَجَّمَهُ. (اسم مکان را در عبارات‌های زیر مشخص کن، سپس آن را ترجمه کن.)

۱- حَصَدَ الْفَلَّاحُونَ مَحَاصِلَهُمْ فِي مَزَارِعِهِمْ. (مَزَارِعُ) ← مَزْرَعَة «بر وزنِ مَفْعَلَة»: کشتزارها

ترجمه عبارت: کشاورزان محصولاتشان را در کشتزارهای خود درو کردند.

۲- إِنَّ جَمِيعَ مَدَارِسِ مَدِينَتِنَا مُغْلَقَةٌ يَوْمَ الْجُمُعَةِ. (مَدَارِسُ) ← مَدْرَسَة «بر وزنِ مَفْعَلَة»: مدرسه‌ها

ترجمه عبارت: روز جمعه همه مدرسه‌های شهرمان بسته (تعطیل) است.

۳- صَلَّى صَلَاةَ الْعَصْرِ فِي مَسْجِدٍ كَبِيرٍ فِي مَدِينَةِ النَّجَفِ الْأَشْرَفِ. (مَسْجِدٍ) ← مَسْجِد: مسجدی، یک مسجد

ترجمه عبارت: نماز عصر را در یک مسجد بزرگ در شهر نجف اشرف خواندم.

۴- ذَهَبْتُ مَعَ صَدِيقِي الْيَوْمَ إِلَى مَلْعَبِ كُرَّةِ الْقَدَمِ لِمُشَاهَدَةِ مَبَارَاةٍ. (مَلْعَبِ) ← مَلْعَب: ورزشگاه

ترجمه عبارت: امروز با دوستم برای تماشای مسابقه‌ای به ورزشگاه فوتبال رفتم.

اِخْتَبِرْ نَفْسَكَ ۳ (خودت را بیازمای)

تَرَجِّمِ الْأَيْتِينَ وَ الْعِبَارَةَ، ثُمَّ عَيِّنِ اسْمَ الْمَكَانِ وَ اسْمَ التَّفْضِيلِ. (دو آیه و عبارت را ترجمه کن، سپس اسم مکان و اسم تفضیل را مشخص کن.)

۱- ﴿... وَ جَادِلْهُمْ بِآيَاتِي هِيَ أَحْسَنُ إِنَّ رَبَّكَ هُوَ أَعْلَمُ بِمَنْ ضَلَّ عَنْ سَبِيلِهِ...﴾ النَّحْل: ۱۲۵

اسم تفضیل اسم مکان

«... و با آنان به [شیوه‌ای] که بهتر است بحث کن (به بحث و گفت‌وگو پرداز)؛ زیرا پروردگار تو داناست که از راه او گم‌گشته (منحرف شده) است.»

۲- ﴿... وَ الْأَجْرَةَ حَيْرٌ وَ أَبْقَى﴾ الْأَعْلَى: ۱۷ «حال آن‌که آخرت بهتر و پایدارتر است.»

اسم تفضیل اسم مکان

۳- كَانَتْ مَكْتَبَةً «جندی سابور» فِي خَوْزِسْتَانِ أَكْبَرِ مَكْتَبَتِي فِي الْعَالَمِ الْقَدِيمِ.

اسم تفضیل اسم مکان

کتابخانه «جندی شاپور» در خوزستان، بزرگ‌ترین کتابخانه در دنیای قدیم (جهان باستان) بود.

واژگان

فعل

تَجَسَّسَ: جاسوسی کرد (مضارع: يَتَجَسَّسُ)	إِتَّقَى: پروا کرد (مضارع: يَتَّقِي) «إِتَّقُوا اللَّهَ: از خدا پروا کنید»
حَرَّمَ: حرام کرد (مضارع: يُحَرِّمُ / امر: حَرِّمْ / مصدر: تَحْرِيم)	إِعْتَابَ: غیبت کرد (مضارع: يَعْتابُ / مصدر: إِعْتَابُ) «لا يَعْتابُ: نباید غیبت کند»
سَخَّرَ مِنْ: مسخره کرد (مضارع: يَسخِّرُ / مصدر: سُخْرِيَّة) «لا يَسخِّرُ: نباید مسخره کند»	أَنْ يَكُنَّ: که باشند (ماضی: كَانَ / مضارع: يَكُونُ)
عَابَ: عیب‌جویی کرد، عیب‌دار کرد (مضارع: يَعِيبُ / مصدر: عَيْب)	أَنْ يَكُونُوا: که باشند (ماضی: كَانَ / مضارع: يَكُونُ)
عَسَى: شاید = رُبَّمَا	بِئْسَ: بد است
كَرِهَ: ناپسند داشت (مضارع: يَكْرَهُ / امر: إِكْرَهُ / مصدر: كَرَاهَةٌ)	تَابَ: توبه کرد (مضارع: يَتُوبُ / امر: تَبْ / مصدر: تَوْبَةٌ) «لَمْ يَتُبْ: توبه نکرد»
لَقَّبَ: لقب داد (مضارع: يَلَقِّبُ / امر: لَقِّبْ)	
لَمَزَ: عیب گرفت (مضارع: يَلْمِزُ)	

اسم

خَفِيَ: پنهان = ظاهر	إِثْمٌ: گناه = ذَنْبٌ
عُجِبَ: خودپسندی	إِسْتَهْزَأَ بِ (مصدر): ریشخند کردن (ماضی: اسْتَهْزَأَ / مضارع: يَسْتَهْزِئُ)
فُسِقَ (مصدر): آلوده شدن به گناه	بَغَضٌ ... بَغَضٌ: یکدیگر
فَضَحَ (مصدر): رسوا کردن	تَسْمِيَّةَ (مصدر): نام‌دادن، نامیدن (ماضی: سَمَى / مضارع: يُسَمِّي)
كَبَّأُ: گناهان بزرگ «مفرد: كَبِيرَةٌ»	تَنَابَزَ بِالْأَلْقَابِ (مصدر): به یکدیگر لقب‌های زشت دادن
لَحْمٌ: گوشت «جمع: لُحُومٌ»	(ماضی: تَنَابَزَ / مضارع: يَتَنَابَزُ)
مَيِّتٌ: مُرَدَةٌ = مَيِّتٌ «جمع: أَمْوات، مَوْتَى» = حَيٌّ	تَوَابٌ: (۱) (برای خداوند) بسیار توبه‌پذیر (۲) (برای انسان) بسیار توبه‌کننده
	تَوَاضَلُ (مصدر): ارتباط (ماضی: تَوَاضَلُ / مضارع: يَتَوَاضَلُ)

حرف

قَدْ: (بر سر «فعل مضارع») گاهی، شاید «قَدْ يَكُونُ: گاهی می‌باشد» / (بر سر «فعل ماضی») برای نزدیک‌ساختن زمان فعل به حال و معادل «ماضی نقلی» است. «قَدْ كَتَبَ: نوشته است»

واژگان درس نامه، حوار و تمارین

فعل

أَهْدَى: هدیه کرد	جَادَلَ: بحث کن
عَذَّبَ: عذاب داد	حَسَنَتٌ: نیکو گردانیدی
عَلَبَتْ: چیره شد	حَيٌّ: بشتاب
ساءَ: بد شد	سُئِلَ ...: از ... پرسیده شد
	ضَلَّ: گمراه شد

اسم

السَّكِينَةُ: آرامش	تَخْفِيفٌ: تخفیف
مَنْجَرٌ: مغازه	الرَّجُلُ: (۱) انسان (۲) مرد
مِيزان: ترازو (ترازوی اعمال)	زَمِيلٌ: همکار
نَوْعِيَّةٌ: جنس	سِعْرٌ: قیمت



الرَّجُلُ	انسان	الْمَرْءُ	انسان	حَيٌّ	بشتاب	عَجَلٌ	بشتاب	سَبِيلٌ	راه	طَرِيقٌ	راه
قَوْمٌ	گروه	جَمَاعَةٌ	گروه	سَخِرَ مِنْ	مسخره کرد	اسْتَهْزَأَ بِـ	ریشخند کرد، مسخره کرد	إِخْوَانٌ	دوستان، برادران	أَصْدِقَاءٌ	دوستان
خَيْرًا مِنْ	بهتر از	أَفْضَلَ مِنْ	بهتر از	لَا تَلْمِزُوا	عیب نگیرید	لَا تَعْيِبُوا	عیب نگیرید	عَسَى	شاید	زُيْمًا	شاید
إِنَّهُمْ	گناه	ذَنْبٌ	گناه	اتَّقُوا	بترسید (بپرهیزید)	خَافُوا	بترسید	الظَّالِمُونَ	ستمکاران	الْجَائِرُونَ	ستمکاران
رَحِيمٌ	مهربان	رَوْوْفٌ	مهربان	عُجِبَ	خودپسندی	كَبُرَ	خودپسندی، غرور	النَّاسِ	مردم	السَّعْبِ	ملت، مردم
أكْبَرُ	بزرگ‌تر، بزرگ‌ترین	أَعْظَمُ	بزرگ‌تر، بزرگ‌ترین	مِثْلٌ	مانند	شَبِيهٌ	مانند	خَفِيَ	پنهان	مَسْتُورٌ	پنهان
الْقَبِيحَةُ	زشت، بد	الْكُرْهِيَّةُ	زشت، بد	مُحَاوَلَةٌ	تلاش	سَعَى	تلاش	الْعَمَلُ	کار، کردار	الْفِعْلُ	کار، کردار
مَكْتَبٌ	دین، آیین	دین	دین، آیین	إِجْتَنَبُوا	دوری کنید [از]	إِبْتَعَدُوا عَنِ	دوری کنید [از]	أَسْرَارٌ	رازها	زُمُوزٌ	رازها
الْأَسْتِهْزَاءُ بِـ	ریشخند کردن، مسخره کردن	السَّخَرِيَّةُ مِنْ	مسخره کردن	خَيْرٌ ...	بهترین ...	أَفْضَلُ ...	بهترین ...	عَنْ	از	مِنْ	از
الْمَيِّتُ	مُرده	الْمَيِّتُ	مُرده								

متفاوت

خَيْرًا مِنْ	بهتر از	شَرًّا مِنْ	بدتر از	كَثِيرًا	بسیار	قَلِيلًا	کم، اندک	حَرَمٌ	حرام کرد	أَحَلَّ	حلال کرد
الظَّالِمُونَ	ستمکاران	الْعَادِلُونَ	عادلان	أكْبَرُ	بزرگ‌تر، بزرگ‌ترین	أَصْغَرُ	کوچک‌تر، کوچک‌ترین	الْقَبِيحَةُ	زشت	الْجَمِيلَةُ	زیبا
خَفِيَ	پنهان	ظَاهِرٌ	آشکار	الْإِيمَانُ	ایمان	الْكُفْرُ	کفر	إِنتَعَدَ	دور شد	إِفْتَرَبَ	نزدیک شد
نِسَاءٌ	زنان	رِجَالٌ	مردان	عُجِبَ	خودپسندی	تَوَاضَعٌ	فروتنی	خَيْرٌ ...	بهترین ...	شَرٌّ ...	بدترین ...
الْحَيُّ	زنده	الْمَيِّتُ، الْمَيِّتُ	مُرده	آمَنُوا	ایمان آوردند	كَفَرُوا	کفر ورزیدند (کافر شدند)	حَرَامٌ	حرام	حَلَالٌ	حلال
تَوَاضَعٌ	ارتباط	إِنْقِطَاعٌ	بُریده شدن								

متشابه

أَنْفُسٌ	مفرد (نفس، نفس، روح، خود)	أَسْمَاءٌ	مفرد (اسم، اسم، نام)	الذُّنُوبُ	مفرد (الذنب، گناه)
أَلْقَابٌ	مفرد (لقب)	أَسْرَارٌ	مفرد (سِرّ، راز)	الْأَخْلَاقُ	مفرد (الخلق، خوی)
غُيُوبٌ	مفرد (عیب، عیب)	كِبَائِرٌ	مفرد (كَبِيرَةٌ، بزرگ)	أَسْبَابٌ	مفرد (سَبَبٌ، علت، دلیل)
الْأَسْعَارُ	مفرد (السعر، قیمت)	الْفَسَاتِينُ	مفرد (الفسستان، پیراهن زنانه)	الْسَّرَاوِيلُ	مفرد (السروال، شلوار)
الْغُيُوبُ	مفرد (الغيب، غیب، نهان)	الْخَطَايَا	مفرد (الخطيئة، خطا، گناه)	أَرَادِلٌ	مفرد (أردل، فرومایه)
أَفْضَلٌ	مفرد (أفضل، برتر، برترین)	ذُنُوبٌ	مفرد (ذنب، گناه)	مَدَارِسٌ	مفرد (مدرسة، مدرسه)

جمع مکسر

الدرس الأول من آيات الأخلاق

مُلاعِب (مفرد) ← مُلْعَب (ورزشگاه)	إِخْوَان (مفرد) ← أَخ (برادر، دوست)	أُمُور (مفرد) ← أَمْر (کار)
عِبَاد (مفرد) ← عِبْد (بنده)	مَنَازِل (مفرد) ← مَنَزَل (منزل)	مَطَاعِم (مفرد) ← مَطْعَم (رستوران)
فَرَايِض (مفرد) ← فَرِيضَة (واجب دینی)	مَطَابِخ (مفرد) ← مَطْبَخ (آشپزخانه)	مَصَانِع (مفرد) ← مَصْنَع (کارخانه)
	مَطَابِع (مفرد) ← مَطْبَعَة (چاپخانه)	مَكَائِب (مفرد) ← الف مَكْتَبَة (کتابخانه) ب) مَكْتَب (۱) آیین (۲) محل کار

ترجمه درس ۲

مِن آيَاتِ الْأَخْلَاقِ از آیه‌های اخلاق

از آیه‌های اخلاق

﴿... يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اجْتَنِبُوا كَثِيرًا مِّنَ الظَّنِّ ...﴾ الْخُجُرَات: ۲۱

ای کسانی که ایمان آورده‌اید، از بسیاری از گمان‌ها بپرهیزید.

یَسْمٍ (ب + اسم): جاز و مجرور
الله: مضاف‌الیه
الرَّحْمَنِ: صفت (۱) برای «الله»
الرَّحِيمِ: صفت (۲) برای «الله»

یَسْمٍ	الله	الرَّحْمَنِ	الرَّحِيمِ
به نام	خداوند	بخشنده	مهربان

به نام خداوند بخشنده مهربان

آمَنُوا: ایمان آوردند، «فعل ماضی، جمع مذکر غایب در این جا: ایمان آوردید، ایمان آورده‌اید»
خَيْرًا (خَيْر): اسم تفضیل [در اصل، «أَخْبِر» بوده است.]

﴿... يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا يَسْخَرْ قَوْمٌ مِّن قَوْمٍ عَسَىٰ أَن يَكُونُوا خَيْرًا﴾	ای کسانی که ایمان آورده‌اید	نباید مسخره کند گروهی	گروهی [دیگر را] شاید	عَسَىٰ	أَن يَكُونُوا	خَيْرًا
---	-----------------------------	-----------------------	----------------------	--------	---------------	---------

ای کسانی که ایمان آورده‌اید نباید گروهی گروه دیگر را مسخره کند، شاید آنان بهتر

يَكُنَّ: فعل مضارع، «جمع مؤنث غایب» از يَكُونُ

مِنْهُمْ وَ لَا	نِسَاءٍ	مِنْ	نِسَاءٍ	عَسَىٰ	أَن يَكُنَّ	خَيْرًا
از اینان و نه	زنانی	از	زنانی [دیگر]	شاید	که باشند [انان]	بهتر

از اینان باشند، و نه زنانی، زنان [دیگر] را، شاید که آنان بهتر

لَا تَلْمِزُوا: فعل نهی، «جمع مذکر مخاطب»
لَا تَتَنَابَزُوا (در اصل: لَا تَتَنَابَزُوا): فعل نهی، «جمع مذکر مخاطب»
أَنْفُسِنَّ: مفعول / كَمْ: مضاف‌الیه

مِنْهُمْ وَ لَا تَلْمِزُوا	أَنْفُسِكُمْ وَ	لَا تَتَنَابَزُوا بِاللِّقَابِ
از اینان و عیب نگیرید	خودتان را و	به یکدیگر ندهید لقب‌های زشت

از اینان باشند و از یکدیگر [با زبان و ...] عیب‌جویی نکنید و به یکدیگر لقب‌های زشت ندهید.

يُسْتَسْمَىٰ: یک فعل ماضی است که برای «مذمت و سرزنش» به کار می‌رود.
الإيمان: مضاف‌الیه
لَمْ يَتُوبْ: فعل مضارع، «مفرد مذکر غایب»

بِئْسَ	الْأَسْمُ	الْفُسُوقُ	بَعْدَ	الْإِيمَانِ وَ	مَنْ	لَمْ يَتُوبْ
بد است	نام	فِسق (آلوده‌شدن به گناه)	پس از	ایمان و	هر کس	توبه نکند

بد نامی است لقب‌دادن دیگران به کُفَر و ا فِسق پس از ایمان، و هر کس توبه نکند

أُولَئِكَ: مبتدا
الظَّالِمُونَ: خبر [برای «أُولَئِكَ»]

فَ أُولَئِكَ هُمُ الظَّالِمُونَ *	يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا
پس آنان همان ستمگران هستند	ای کسانی که ایمان آوردید

پس آنانند ستمکاران (انان همان ستمکاران هستند). ای کسانی که ایمان آورده‌اید،

اجْتَنِبُوا: فعل امر، جمع مذکر مخاطب
كثيْرًا: مفعول / الظَّالِمُونَ: خبر
مِنَ الظَّنِّ: جاز و مجرور
الظَّنِّ (دوم): مضاف‌الیه

وَ اجْتَنِبُوا كَثِيرًا مِّنَ الظَّنِّ إِنَّ بَعْضَ الظَّنِّ إِثْمٌ وَ	دوری کنید (بپرهیزید) [از] بسیاری از گمان [ها]	زیرا برخی از گمان [ها] گناه [است] و
--	---	-------------------------------------

از بسیاری از گمان‌ها بپرهیزید، زیرا برخی از گمان‌ها گناه است و

لا تَجَسَّسُوا (در اصل: لا تَتَجَسَّسُوا): فعل	أَحَدُكُمْ	يَجِبُ	بَعْضُكُمْ بَعْضًا	أَ	لا يَغْتَنِبُ	وَ	لا تَجَسَّسُوا
نهی، جمع مذکر مخاطب لا يَغْتَنِبُ: فعل نهی، مفرد مذکر غایب بَعْضُ: فاعل / كُمْ: مضاف‌الیه / بَعْضًا: مفعول أَحَدُ: فاعل / كُمْ: مضاف‌الیه	شما	دوست می‌دارد	از] یکدیگر	آیا	نباید غیبت کند (کنید)	و	تجسس و جست‌وجو نکنید و (جاسوسی نکنید)
ادر کار دیگران] تجسس نکنید و نباید از یکدیگر غیبت کنید، آیا کسی از شما دوست دارد							

لَحْمٍ: مفعول	و	أَنْ يَأْكُلَ	لَحْمٍ	أَخِيهِ	مَيْتًا	فَ	كِرْهُمُوهُ
أَخِيهِ «أَخ» + «ه»: هر دو مضاف‌الیه كِرْهُمُوهُ: كِرْهُمُ + هُ: مفعول	و	که بخورد	گوشت	برادرش [را]	مُرده	پس	ناپسند دارید آن را
گوشت برادرش را که مُرده است بخورد؟ [بی‌شک] از آن کراهت دارید، و							

إِتَّقُوا: فعل امر، جمع مذکر مخاطب الله: مفعول	و	إِنَّا	لَنُؤْتِيَنَّكَ	أَجْرًا	كَبِيرًا	وَ	تَتَّقُوا
تَتَّقُوا: اسم مبالغه ابر وزن «فَعَال»]	و	پروا کنید	[از] خدا	زیرا (که)	خداوند	بسیار توبه‌پذیر [و] مهربان [است]	الخَجَرَات: ۱۱ و ۱۲
از خدا پروا کنید که خداوند بسیار توبه‌پذیر و مهربان است.							

النَّاسِ: مضاف‌الیه هُوَ: مبتدا أَحْسَنُ: اسم تفضیل (مذکر) ← خبر مَيِّتًا (= مَيِّتٌ + نَا): جاز و مجرور	مَيِّتًا	أَحْسَنُ	هُوَ	مَنْ	النَّاسِ	بَيْنَ	يَكُونُ	قَدْ
از ما	بهبتر [است]	او	کسی که	مردم	میان	می‌باشد	گاهی	گاهی
گاهی میان مردم کسی است که از ما بهتر می‌باشد.								

عَلَيْنَا (= عَلَيَّ + نَا): جاز و مجرور عَنِ الْعَجَبِ: جاز و مجرور	عَلَيْنَا	عَنِ	الْعَجَبِ	وَ	أَنْ	لا نَذْكُرَ
پس بر ماست (بر ما لازم است) که دور شویم از خودپسندی (خودبینی) و این که یاد نکنیم پس بر ما لازم است که از خودپسندی دور شویم و عیوب دیگران را	عَلَيْنَا	عَنِ	الْعَجَبِ	وَ	أَنْ	لا نَذْكُرَ

غُيُوبٍ: مفعول الْآخِرِينَ: اسم تفضیل (جمع مذکر سالم)، مفرد آن: الْآخِرُ ← مضاف‌الیه كَلَامٍ حَفِيٍّ: ترکیب وصفی (= موصوف + صفت)	بِ	كَلَامٍ حَفِيٍّ	أَوْ	بِإِشَارَةٍ	
غیب‌های	دیگران [را]	با	سخنی پنهان	یا	با اشاره‌ای
با سخنی پنهان یا با اشاره‌ای یاد نکنیم.					

أَكْبَرُ: اسم تفضیل (مذکر) ← مبتدا أَنْ تَعِيبَ: خبر [برای «أَكْبَرُ»]	أَنْ تَعِيبَ	الْعَيْبِ	«أَكْبَرُ»	:	عَلِيٍّ	أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ	قَدْ قَالَ	فَ
این [است] که عیب‌جویی کنی	عیب	بزرگ‌ترین	بر او درود باد:	علی	امیر مؤمنان	فرموده است	پس	پس
زیرا امیر مؤمنان علی <small>عليه السلام</small> فرموده‌اند: «بزرگ‌ترین عیب آن است که از چیزی که								

مِثْلَهُ: مفعول [برای فعل «أَنْ تَعِيبَ»]	مِثْلَهُ	مِثْلَهُ
مانند آن [است].	در تو	چیزی [را]
مانند آن در تو است، عیب‌گیری.		

«نَا» در تَنْصَحْنَا: مفعول / الْآيَةَ: فاعل الْأُولَى: (بر وزن «فُعْلَى») صفت [برای الْآيَةَ]، اسم تفضیل (مؤنث) الْآخِرِينَ: اسم تفضیل (جمع مذکر سالم) ← مفعول	و	تَقُولُ:	لا تَعِيبُوا	الْآخِرِينَ	وَ	تَنْصَحْنَا
و	می‌گوید:	عیب‌جویی نکنید	[از] دیگران	و	و	پند می‌دهد به ما
آیه اول به ما پند می‌دهد و می‌گوید: از دیگران عیب‌جویی نکنید و						

بِشَسِّ: جمع مذکر مخاطب هم: مفعول [برای فعل «لا تَلْقَبُوا»] بِالْقَابِ: جاز و مجرور «ها» در يَكْرَهُنَّهَا: مفعول	بِ	أَلْقَابٍ	يَكْرَهُنَّهَا	بِشَسِّ	الْعَمَلِ	الْفُسُوقِ!
لقب ندهید آنان را	با	لقب‌هایی [که]	ناپسند می‌دارند آن‌ها را	بد است	کار	فِسق
با لقب‌هایی که آن‌ها را ناپسند می‌دارند، آنان را لقب ندهید، فِسق (آلوده‌شدن به گناه)، بد کاری است!						

وَ	مَنْ	يَفْعَلُ	ذَلِكَ	فَهُوَ	مِنْ	الظَّالِمِينَ.
و	هر کس	انجام دهد	آن را	پس او	از	ستمکاران [است]

و هر کس آن [کار] را انجام دهد، [او] از ستمکاران است.

هُوَ: مبتدا
مِنْ الظَّالِمِينَ: جاز و مجرور ← خبر
[برای «هُوَ»]

إِذَنْ	فَ	قَدْ حَرَّمَ	اللَّهِ	تَعَالَى	فِي	هَاتَيْنِ الْآيَتَيْنِ:
بنابراین	پس	حرام کرده است	خداوند	متعال	در	این دو آیه:

بنابراین خداوند متعال در این دو آیه حرام کرده است:

حَرَّمَ: فعل ماضی، مفرد مذکر غایب
اللَّهُ: فاعل [برای فعل «قَدْ حَرَّمَ»]
هَاتَيْنِ: اسم اشاره به نزدیک، مثالی مؤنث
← مجرور به حرف جرّ

الْإِسْتِهْزَاءَ بِالْآخِرِينَ،	وَ	تَسْمِيَتِهِمْ	بِالْأَسْمَاءِ	الْقَبِيحَةِ.
ریشخند کردن دیگران	و	نامیدن شان	با اسم‌های	زشت

ریشخند کردن دیگران و نامیدن آنان با اسم‌های زشت را.

الْإِسْتِهْزَاءُ: مفعول [برای فعل «حَرَّمَ»]
الْآخِرِينَ: اسم تفضیل (جمع مذکر سالم)
← مجرور به حرف جرّ
الْأَسْمَاءُ الْقَبِيحَةُ: ترکیب وصفی (موصوف + صفت)

سُوءَ الظَّنِّ،	وَ	هُوَ	اِتِّهَامٌ	شَخْصٍ	لِشَخْصٍ آخَرَ	بِدُونِ	دَلِيلٍ مَنْطِقِيٍّ.
بدگمانی	و	آن	متهم کردن	شخصی [است]	شخصی دیگر [را]	بدون	دلیلی منطقی

بدگمانی را، و آن (بدگمانی) متهم کردن شخصی توسط شخصی دیگر بدون [هیچ] دلیل منطقی است.

هُوَ: مبتدا / اِتِّهَامٌ: خبر / شَخْصٍ: مضاف‌الیه
لِشَخْصٍ: جاز و مجرور
آخَرَ (بر وزن «أَفْعَل»): صفت [برای «شَخْصٍ»]
دَلِيلٍ: مضاف‌الیه / مَنْطِقِيٍّ: صفت [برای «دَلِيلٍ»]

التَّجَسُّسُ،	وَ	هُوَ	مُحَاوَلَةٌ قَبِيحَةٌ	لِـ	أَسْرَارٍ
جاسوسی کردن	و	آن	تلاشی زشت [است]	برای	اسرار (رموز)

جاسوسی کردن را، و آن (جاسوسی کردن) تلاشی زشت [است] برای آشکار کردن اسرار

هُوَ: مبتدا / مُحَاوَلَةٌ: خبر
قَبِيحَةٌ: صفت [برای «مُحَاوَلَةٌ»]
لِـ: کشف: جاز و مجرور
أَسْرَارٍ: مضاف‌الیه

النَّاسِ	لِـ	فَضَحِهِمْ	وَ	هُوَ	مِنْ	كِبَائِرِ الذُّنُوبِ
مردم	برای (به منظور)	رسواکردنشان	و	آن	از	گناهان بزرگ [است]

مردم به منظور رسواکردن آنان است و آن از گناهان بزرگ

النَّاسِ: مضاف‌الیه
لِـ: مضاف‌الیه
فَضَحِهِمْ: جاز و مجرور / هِمَمٌ: مضاف‌الیه
هُوَ: مبتدا / مِنْ كِبَائِرِ: جاز و مجرور ← خبر
الذُّنُوبِ: مضاف‌الیه

فِي	مَكْتَبِنَا	وَ	هُوَ	مِنْ	الأَخْلَاقِ السَّيِّئَةِ.
در	آیین ما	و	آن	از	اخلاق بد [است]

در آیین ما و از اخلاق بد است.

فِي مَكْتَبِنَا: جاز و مجرور
نا: مضاف‌الیه
مِنْ الأَخْلَاقِ: جاز و مجرور
الأَخْلَاقِ السَّيِّئَةِ: ترکیب وصفی

وَ	الْغَيْبَةِ.	وَ	هِيَ	مِنْ	أَهَمِّ	أَسْبَابِ	قَطْعِ
و	غیبت کردن	و	آن	از	مهم‌ترین	دلایل	قطع (بریدن)

و غیبت کردن را، و آن (غیبت کردن) از مهم‌ترین دلایل قطع

هِيَ: مبتدا
مِنْ أَهَمِّ: جاز و مجرور ← خبر
أَهَمِّ: اسم تفضیل
«أَسْبَابِ» و «قَطْعِ»: مضاف‌الیه

التَّوَاصُلِ	بَيْنَ	النَّاسِ.
ارتباط	میان	مردم [است].

ارتباط میان مردم است.

التَّوَاصُلِ: مضاف‌الیه
النَّاسِ: مضاف‌الیه

سَمِّيَ	بَعْضُ	الْمُفَسِّرِينَ	سُورَةَ	الْحُجُرَاتِ الَّتِي	جَاءَتْ	فِيهَا
نامید (نامیدند)	برخی از	مفسران	سوره	حُجُرَاتِی که	آمده است	در آن

برخی از مفسران، سوره حُجُرَاتِ را که این دو آیه

سَمِّيَ: فعل ماضی، مفرد مذکر غایب
بَعْضُ: فاعل / الْمُفَسِّرِينَ: مضاف‌الیه
سُورَةَ: مفعول / الْحُجُرَاتِ: مضاف‌الیه
فِيهَا: جاز و مجرور

هاتان: فاعل [برای فعل «جاءت»]
 بسورة: جاز و مجرور
 الأخلاق: مضاف‌الیه

الأخلاق.	سورة	بـ	الآيتين	هاتان
اخلاق	سورة	به	دو آیه	این
در آن آمده است، سورة اخلاق نامیده‌اند.				

- عَيْنِ الصَّحِيحِ وَالْخَطَأَ حَسَبَ نَصِّ الدَّرْسِ. (درست و نادرست را براساس متن درس مشخص کن.)
- ۱- سَمَى بَعْضُ الْمُفَسِّرِينَ سُورَةَ الْحُجُرَاتِ بِعُرُوسِ الْقُرْآنِ. (برخی از مفسران، سورة حُجُرَاتِ را عروس قرآن نامیده‌اند.)
- سورة حُجُرَاتِ ← سورة اخلاق / سورة الرِّحْمَنِ ← عروس قرآن
- ۲- حَرَّمَ اللهُ فِي هَاتَيْنِ الْآيَتَيْنِ الْأِسْتِهْزَاءَ وَالْغَيْبَةَ فَقَطْ. (خداوند در این دو آیه، فقط ریشخندکردن و غیبت کردن را حرام کرده است.)
- در متن اومده که: «إِذْ قَدْ حَرَّمَ اللهُ تَعَالَى فِي هَاتَيْنِ الْآيَتَيْنِ: «الْإِسْتِهْزَاءَ بِالْآخَرِينَ، سُوءَ الظَّنِّ، التَّجَسُّسَ وَالْغَيْبَةَ».
- ۳- الْغَيْبَةُ هِيَ أَنْ تَذْكُرَ أَخَاكَ وَ أختَكَ بِمَا يَكْرَهُانِ. (غیبت کردن آن است که برادر و خواهرت را به آن چه ناپسند می‌دارند، یاد کنی.)
- ۴- إِنَّ اللهُ يَنْهَى النَّاسَ عَنِ السُّخْرِيَةِ مِنَ الْآخَرِينَ. (قطعاً خداوند مردم را از مسخره کردن دیگران نهی می‌کند (منع می‌کند).)
- ۵- أَلَسَعْنِي لِمَعْرِفَةِ أَسْرَارِ الْآخَرِينَ أَمْرٌ جَمِيلٌ. (تلاش به منظور شناخت اسرار دیگران، کاری زیبا (خوب) است.)

جوار (في سوقِ مشهد)

الزَّائِرَةُ الْعَرَبِيَّةُ زائر عرب (خانم)	گفت‌وگویی (در بازار مشهد)	بائعُ المَلابِسِ لباس‌فروش
سَلَامٌ عَلَيْكُمْ.	عَلَيْكُمْ السَّلَامُ، مَرَحَبًا بِكَ.	سلام بر شما، خوش اومدی.
كَمْ يَسْعُرُ هَذَا الْقَمِيصِ الرَّجَالِيُّ؟	سِتُونَ أَلْفَ تومَانِ.	شصت هزار تومن.
قیمت این پیراهن مردونه چنده؟	عِنْدَنَا بِسَعْرِ خَمْسِينَ أَلْفَ تومَانِ. تَفْصَلِي أَنْظِرِي.	ما هم [پنج] هزار تومن داریم. بفرما نگاه کن.
أُرِيدُ أَرْحَصَ مِنْ هَذَا. هَذِهِ الْأَسْعَاظُ غَالِيَةٌ.	أَبْيَضُ وَ أَسْوَدُ وَ أَرْزَقُ وَ أَحْمَرُ وَ أَصْفَرُ وَ بَنَفْسَجِي.	سفید، مشکی، آبی، قرمز، زرد و بنفش.
از این ارزون تر می‌خوام. این قیمت‌ها گرونه.	تَبْدَأُ الْأَسْعَاظُ مِنْ خَمْسَةِ وَ سَبْعِينَ أَلْفًا إِلَى خَمْسَةِ وَ ثَمَانِينَ أَلْفَ تومَانِ.	قیمت‌ها از هفتاد و پنج هزار شروع می‌شه تا هشتاد و پنج هزار تومن.
أَيُّ لَوْنٍ عِنْدَكُمْ؟	سَيِّدَتِي، يَخْتَلِفُ السَّعْرُ حَسَبَ النُّوعِيَّاتِ.	خانوم، قیمت براساس جنس‌ها فرق می‌کنه.
چه رنگی دارید؟	السَّرَوَالُ الرَّجَالِيُّ بِتِسْعِينَ أَلْفَ تومَانِ، وَ السَّرَوَالُ النِّسَائِيُّ بِخَمْسَةِ وَ تِسْعِينَ أَلْفَ تومَانِ.	شلوار مردونه نود هزار تومن، و شلوار زنونه نود و پنج هزار تومن.
بگم تومان هذه الفساتين؟	أُرِيدُ سَرَاوِيلَ أَفْضَلَ مِنْ هَذِهِ.	این شلوارها چند تومنه؟
این پیراهن‌های زنونه چند تومنه؟	ذَلِكَ مَتَجَرُّ زَمِيلِي، لَهُ سَرَاوِيلُ أَفْضَلُ.	اون مغازه همکارمه، شلوارهایی بهتره داره.
قیمت‌ها گرونه!	فِي مَتَجَرِّ زَمِيلِهِ ...	در مغازه همکارش ...
بگم تومان هذه السراويل؟	صَارَ الْمَبْلَغُ مِئَتَيْنِ وَ ثَلَاثِينَ أَلْفَ تومَانِ. أَعْطِنِي بَعْدَ التَّخْفِيفِ مِئَتَيْنِ وَ عِشْرِينَ أَلْفًا.	مبلغ، دویست و سی هزار تومن شد. پس از تخفیف، دویست و بیست هزار [تومن] به من بده (پرداخت کن).
این شلوارها چند تومنه؟	رَجَاءً، أَعْطِنِي سَرَوَالًا مِنْ هَذَا النُّوعِ وَ ... كَمْ صَارَ الْمَبْلَغُ؟	لطفاً، یه شلوار از این نوع به من بده و ... مبلغ چه قدر شد؟



الشمارین الأول أئی کلمة من کلمات معجم الدرسي تناسب التوضیحات التالية؟ (شمارین اول کدام کلمه از کلمات واژه‌نامه، با توضیحات زیر هماهنگی دارد؟)

- ۱- جَعَلَهُ حَرَامًا: (آن را حرام گردانید (حرام کرد)). ﴿حَرَّمَ﴾ (حرام کرد)
 - ۲- الَّذِي لَيْسَ حَيًّا: (کسی که زنده نیست). ﴿مَيِّتٌ﴾ (میت، مرده)
 - ۳- الذُّنُوبُ الْكَبِيرَةُ: (گناهان بزرگ) ﴿كَبِيرٌ﴾ (گناهان بزرگ)
 - ۴- الَّذِي يَقْبَلُ التَّوْبَةَ عَنِ عِبَادِهِ: (کسی که توبه را از بندگانش می‌پذیرد). ﴿تَوَّابٌ﴾ (بسیار توبه‌پذیر)
 - ۵- تَسْمِيَةُ الْآخَرِينَ بِالْأَسْمَاءِ الْقَبِيحَةِ: (نامیدن دیگران با اسم‌های زشت) ﴿تَنَابَرُ بِالْأَلْقَابِ﴾ (به یکدیگر لقب‌های زشت دادن)
 - ۶- ذَكَرَ مَا لَا يَرْضَىٰ بِهِ الْآخَرُونَ فِي غِيَابِهِمْ: (آن چه را دیگران به آن راضی نیستند در غیبتشان (عدم حضورشان) یاد کرد). ﴿إِغْتَابَ﴾ (غیبت کرد)
- الشمارین الثاني تَرْجِمَ هَذِهِ الْأَحَادِيثَ النَّبَوِيَّةَ، ثُمَّ عَيَّنَ الْمَطْلُوبَ مِنْكَ. (شمارین دوم این احادیث نبوی را ترجمه کن، سپس [مواردی را که] از تو خواسته شده، مشخص کن.)

۱- حُسْنُ الْخُلُقِ نِصْفُ الدِّينِ. (الْمُبْتَدَأُ وَالْخَبَرُ) ﴿حَسَنٌ﴾ خوش اخلاقی نیمی از دین است.

۲- مَنْ سَاءَ خُلُقُهُ عَذَّبَ نَفْسَهُ. (الْمَفْعُولُ) ﴿سَاءٌ﴾ هر کس اخلاقش بد شود، خودش را عذاب می‌دهد (شکنجه می‌کند).

۳- اللَّهُمَّ كَمَا حَسَّنْتَ خُلُقِي، فَحَسِّنْ خُلُقِي. (الْفِعْلُ الْمَاضِي وَ فِعْلُ الْأَمْرِ) ﴿حَسَّنَ﴾ خدایا! همان گونه که آفرینش را نیکو گردانیدی، اخلاقم را [نیز] نیکو گردان.

۴- لَيْسَ شَيْءٌ أَثْقَلُ فِي الْمِيزَانِ مِنَ الْخُلُقِ الْحَسَنِ. (اسْمُ التَّفْضِيلِ وَالْجَارُ وَالْمَجْرُورُ) ﴿أثْقَلُ﴾ در ترازو (ترازوی اعمال)، چیزی سنگین تر از اخلاق نیکو نیست.

الشمارین الثالث تَرْجِمِ الْأَفْعَالَ وَالْمُصَادِرَ التَّالِيَةَ. (شمارین سوم افعال و مصدرهای زیر را ترجمه کن.)

الْمَاضِي	الْمُضَارِعُ وَ الْمُسْتَقْبَلُ	الْأَمْرُ وَ النَّهْيُ	الْمَصْدَرُ
قَدْ أَحْسَنَ: نیکو کرده است	يُحْسِنُ: نیکو می‌کند	أَحْسِنْ: نیکو کن (امر)	إِحْسَانٌ: نیکو کردن
إِفْتَرَبَ: نزدیک شد	يَقْتَرِبُونَ: نزدیک می‌شوند	لَا تَقْتَرِبُوا: نزدیک نشوید (نهی)	إِفْتِرَابٌ: نزدیک شدن
إِنْكَسَرَ: شکسته شد	سَيَنْكَسِرُ: شکسته خواهد شد	لَا تَنْكَسِرْ: شکسته نشو (نهی)	إِنْكَسَارٌ: شکسته شدن
إِسْتَعْفَرَ: آمرزش خواست	يَسْتَعْفِرُ: آمرزش می‌خواهد	إِسْتَعْفِرْ: آمرزش بخواه (امر)	إِسْتِعْفَارٌ: آمرزش خواستن
مَا سَافَرْتُ: سفر نکردم	لَا يُسَافِرُ: سفر نمی‌کند	لَا تُسَافِرْ: سفر نکن (نهی)	مُسَافَرَةٌ: سفر کردن
تَعَلَّمَ: یاد گرفت	يَتَعَلَّمَانِ: یاد می‌گیرند	تَعَلَّمْ: یاد بگیر (امر)	تَعَلُّمٌ: یاد گرفتن
تَبَادَلْتُمْ: عوض کردید	تَتَبَادَلُونَ: عوض می‌کنید	لَا تَتَبَادَلُوا: عوض نکنید (نهی)	تَبَادُلٌ: عوض کردن
قَدْ عَلَّمَ: آموزش داده است	سَوْفَ يُعَلِّمُ: آموزش خواهد داد	عَلِّمْ: آموزش بده (امر)	تَعْلِيمٌ: آموزش دادن

الشمارین الرابع أكتُبِ الْعَمَلِيَّاتِ الْجِسَائِيَّةَ التَّالِيَةَ كَالْمِثَالِ. (شمارین چهارم عملیات ریاضی زیر را مانند مثال بنویس.)

- ۱- عَشْرَةٌ زَائِدَةٌ أَرْبَعَةٌ يُسَاوِي أَرْبَعَةَ عَشَرَ. ده به اضافه چهار، برابر است با چهارده. ﴿١٤ = ٤ + ١٠﴾
- ۲- مِئَةٌ تَقْسِيمٌ عَلَى اثْنَيْنِ يُسَاوِي خَمْسِينَ. صد تقسیم بر دو برابر است با پنجاه. ﴿٥٠ = ٢ × ١٠٠﴾
- ۳- ثَمَانِيَّةٌ فِي ثَلَاثَةِ يُسَاوِي أَرْبَعَةً وَعِشْرِينَ. هشت ضربدر سه برابر است با بیست و چهار. ﴿٢٤ = ٣ × ٨﴾
- ۴- سِتَّةٌ وَسَبْعُونَ نَاقِضٌ أَحَدٌ عَشَرَ يُسَاوِي خَمْسَةً وَسِتِّينَ. هفتاد و شش منهای یازده برابر است با شصت و پنج. ﴿٦٥ = ٧٦ - ١١﴾

الشمارین الخامس عَيِّنِ الْمَحَلَّ الْإِعْرَابِيَّ لِلْكَلِمَاتِ الْمَلُؤَنَةِ. (شمارین پنجم نقش کلمات رنگی را مشخص کن.)

۱- ﴿فَأَنْزَلَ اللَّهُ سَكِينَتَهُ عَلَى رَسُولِهِ وَعَلَى الْمُؤْمِنِينَ﴾ الْفَتْحُ: ٢٦ «پس خداوند آرامش خود را بر پیامبرش و بر مؤمنان نازل کرد.»

﴿مفعول به مرفع بهر﴾

۲- ﴿لَا يَكَلِّفُ اللَّهُ نَفْسًا إِلَّا وُسْعَهَا﴾ الْبَقَرَةُ: ٢٨٦ «خداوند هیچ کس را جز به اندازه توانش تکلیف نمی‌کند.»

﴿فاعل مفعول﴾

۳- السُّكُوتُ ذَهَبٌ وَ الْكَلَامُ فِضَّةٌ. رَسُولُ اللَّهِ ﷺ «سکوت طلا است و سخن گفتن نقره است.»

﴿مبتدا بهر﴾

۴- **أَحَبُّ عِبَادِ اللَّهِ إِلَى اللَّهِ** **أَنْفَعُهُمْ لِعِبَادِهِ**. رَسُولُ اللَّهِ ﷺ «محبوب‌ترین بندگان خدا، نزد خدا، سودمندترینشان برای بندگانش است.»

مبتدا مضاف الیه مبرور به حرف جر فیه

۵- **عِدَاؤُهُ الْعَاقِلِ خَيْرٌ مِنْ صِدْقَةِ الْجَاهِلِ**. أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عَلِيُّ عَلَيْهِ السَّلَامُ «دشمنی عاقل بهتر از دوستی جاهل است.»

مبتدا فیه مبرور به حرف جر

الْمُتَرَبِّعِينَ السَّلَامِيَّ تَرْجِمِ الشَّرَاكِيْبَ وَالْجَمَلَ التَّالِيَةَ، ثُمَّ عَيَّنِ اسْمَ الْفَاعِلِ، وَاسْمَ الْمَفْعُولِ، وَاسْمَ الْمُبَالِغَةِ، وَاسْمَ الْمَكَانِ، وَاسْمَ التَّفْضِيلِ. (شهرین ششم) ترکیب‌ها و

جمله‌های زیر را ترجمه کن، سپس اسم فاعل، اسم مفعول، اسم مبالغه، اسم مکان و اسم تفضیل را مشخص کن.

۱- ﴿رَبُّ الْمَشْرِقِ وَالْمَغْرِبِ﴾ پروردگار مشرق و مغرب

اسم مکان اسم مکان

۲- ﴿...إِنَّكَ أَنْتَ عَلَامُ الْغُيُوبِ﴾ (۱۰۹) ﴿... همانا تو خودت به رازهای نهان بسیار دانایی.»

اسم مبالغه

۳- ﴿...مَنْ بَعَثْنَا مِنْ مَرْقَدِنَا هَذَا مَا وَعَدَ الرَّحْمَنُ وَصَدَقَ الْمُرْسَلُونَ﴾ (۵۲) ﴿... چه کسی ما را از خوابگاهمان برانگیخت؟ این همان چیزی است

اسم مکان اسم مفعول

که خدای رحمان وعده داد و پیامبران راست گفتند.»

۴- **يَا مَنْ يُحِبُّ الْمُخْسِنِينَ**: ای کسی که نیکوکاران را دوست دارد (دوست داری).

اسم فاعل

۵- **يَا أَزْحَمَ الرَّاحِمِينَ**: ای مهربان‌ترین مهربانان

اسم تفضیل اسم فاعل

۶- **يَا سَائِرَ كُلِّ مَغْيُوبٍ**: ای پوشاننده هر ناقصی

اسم فاعل اسم مفعول

۷- **يَا غَفَّارَ الذُّنُوبِ**: ای بسیار آمرزنده گناهان

اسم مبالغه

الْمُتَرَبِّعِينَ السَّبْعَ عَيْنِ الْكَلِمَةِ الْعَرَبِيَّةِ فِي كُلِّ مَجْمُوعَةٍ. (شهرین هشتم) در هر مجموعه، کلمه بیگانه [و ناهمانگ] را مشخص کن.

۱- صباح (صبح) مساء (عصر) لیل (شب) مینت (مُرده)

۲- عجب (خودپسندی) لحم (گوشت) فسوق (آلوده شدن به گناه) إنم (گناه)

۳- کبائر (گناهان بزرگ) نساء (زنان) رجال (مردان) أولاد (فرزندان، پسران)

۴- سخر (مسخره کرد) عاب (عیب جویی کرد) ساعد (کمک کرد) لمز (عیب گرفت)

۵- أحمر (سرخ، قرمز) أحسن (نیکوتر، بهتر) أجمل (زیباتر) أصلح (شایسته‌تر)

۶- أصفر (زرد) أرزق (آبی) أبيض (سفید) أكثر (بیشتر)

الْمُتَرَبِّعِينَ الثَّمَانِ صَعُ فِي الْفَرَاغِ كَلِمَةً مَناسِبَةً. (شهرین نهم) در جای خالی، کلمه مناسبی قرار بده.

۱- **إِشْتَرَيْنَا** وَ قَسَاتَيْنِ بِأَسْعَارٍ رَخِيصَةٍ فِي الْمَتَجَرِّ. در مغازه، شلوارها و پیراهن‌های زنانه‌ای را با قیمت‌هایی ارزان خریدیم.

سرویل (شلوارها) أشهراً (ماه‌ها) موافق (ایستگاه‌ها)

۲- **مَنْ** الْمُؤْمِنِينَ فَعَلَيْهِ أَنْ يَتَذَرَّ إِلَيْهِمْ. هر کس غیبت مؤمنان را کند، بر اوست (بر او واجب است) که از آنان پوزش بخواهد.

إغتاب (غیبت کرد) إتقى (پروا کرد) مدح (ستود)

۳- **خَمْسَةٌ وَ سِتُونَ نَاقِصٌ ثَلَاثَةٌ وَ عِشْرِينَ يُسَاوِي** شصت و پنج منهای بیست و سه برابر است با

اثنین و أربعین (چهل و دو) اثنین و سبعین (هفتاد و دو) أربعه و عشرين (بیست و چهار)

۴- **أَرَادَ الْمُشْتَرِي** السَّعْرِ. خریدار، تخفیف قیمت را خواست.

نوعیة (جنس) متجّر (مغازه) تخفیف (تخفیف)

البحث العلمي «پژوهش علمی»

﴿إِسْتَخْرَجَ خَمْسَةَ أَسْمَاءٍ تَفْضِيلٍ مِنْ دُعَاءِ الْإِفْتِتَاحِ﴾ (پنج اسم تفضیل از دعای افتتاح را استخراج کن.)

اللَّهُمَّ إِنِّي أَفْتَبِحُ الشَّاءَ بِحَمْدِكَ وَ أَنْتَ مُسَدِّدٌ لِلصَّوَابِ بِمَنِّكَ، وَ أَيْقُنْتُ أَنَّكَ أَنْتَ أَزْحَمُ الرَّاحِمِينَ فِي مَوْضِعِ الْعَفْوِ وَ الرَّحْمَةِ، وَ أَشَدُّ الْمُعَاقِبِينَ فِي مَوْضِعِ النَّكَالِ وَ النِّقْمَةِ، وَ أَعْظَمُ الْمُتَجَبَّرِينَ فِي مَوْضِعِ الْكِبْرِيَاءِ وَ الْعُظْمَةِ.

خدایا، من با سپاس‌گزاری از تو ستایش را آغاز می‌کنم و تو با مهرورزیات رهنمون به راه درست هستی. باور کردم که تو در جایگاه گذشت و مهربانی، مهربان‌ترین مهربانانی و در جایگاه کیفر و انتقام، سخت‌ترین کیفردهندگان و در جایگاه بزرگ‌منشی و بزرگواری، بزرگ‌ترین نیرومندانی.

اللَّهُمَّ أَدْنَتْ لِي فِي دُعَائِكَ وَمَسْأَلَتِكَ، فَاسْمَعْ يَا سَمِيعَ مِدْحَتِي، وَأَجِبْ يَا رَحِيمَ دَعْوَتِي، وَأَقِلْ يَا غَفُورَ عَثْرَتِي، فَكَمْ يَا إِلَهِي مِنْ كُرْبَةٍ قَدْ فَرَجْتَهَا، وَهُمُومٍ قَدْ كَشَفْتَهَا، وَ عَثْرَةٍ قَدْ أَقْلَنْتَهَا، وَ رَحْمَةٍ قَدْ نَسَرْتَهَا، وَ حَلَقَةٍ بَلَاءٍ قَدْ فَكَّكْتَهَا!

خدایا، در فراخواندنت و در درخواست از خودت به من اجازه دادی، پس ای شنوا ستایشم را بشنو و ای مهربان دعایم را برآورده کن و ای آمرزنده از لغزشم درگذر، ای خدای من، چه بسیار اندوههایی که از آن گره گشودی و غمهایی که از من برداشتی و لغزشی که از آن درگذشتی و چه بسیار مهربانی که آن را گستردی و زنجیر بلایی که آن را گشودی.

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ عَبْدِكَ وَرَسُولِكَ وَأَمِينِكَ وَصَفِيِّكَ وَحَبِيبِكَ وَخَيْرَتِكَ مِنْ خَلْقِكَ، وَحَافِظِ سِرِّكَ، وَمُبَلِّغِ رِسَالَاتِكَ أَفْضَلَ وَأَحْسَنَ وَأَجْمَلَ وَأَكْمَلَ وَأَزْكَى وَأَنْمَى وَأَطْيَبَ وَأَطَهَرَ وَأَسْنَى وَأَكْثَرَ مَا صَلَّيْتَ وَبَارَكْتَ وَتَرَحَّمْتَ وَتَحَنَّنْتَ وَسَلَّمْتَ عَلَى أَحَدٍ مِنْ عِبَادِكَ وَأَنْبِيَائِكَ وَرُسُلِكَ وَصَفْوَتِكَ وَأَهْلِ الْكِرَامَةِ عَلَيْكَ مِنْ خَلْقِكَ. خدایا، درود بفرست بر محمد: بندهات، فرستادهات، اماندات، برگزیدهات، یارت، بهترین آفریدهات، نگاهدارِ رازت، رسانندهٔ پیام‌هایت. [درودی که] برترین، بهترین، زیباترین، کامل‌ترین، پاک‌ترین، بالنده‌ترین، خوب‌ترین، پاکیزه‌ترین، بلندترین و بیشترین درودی باشد که فرستاده‌ای و برکت داده‌ای و مهربانی کرده‌ای و مهر ورزیده‌ای و سلام داده‌ای بر یکی از بندگان و پیامبران و فرستادگان و برگزیدگان و اهل بخشش از آفریدگانت.

سؤال‌های امتحانی

سؤال‌های ترجمه محور

۱- الف) تَرَجِمِ الْكَلِمَاتِ الَّتِي تَحْتَهَا حَطًّا:

۱- ﴿إَتَقُوا اللَّهَ إِنَّ اللَّهَ تَوَّابٌ رَحِيمٌ﴾

۳- ﴿... عَسَىٰ أَنْ يَكُنَّ خَيْرًا مِنْهُنَّ ...﴾

۵- ﴿... اجْتَنِبُوا كَثِيرًا مِّنَ الظَّنِّ ...﴾

۷- هَذِهِ الْآيَةُ تَقُولُ لَنَا: لَا تَعْيِبُوا الْآخِرِينَ.

۹- الْغَيْبَةُ مِنْ أَهَمِّ أَسْبَابِ قَطْعِ التَّوَاضُلِ بَيْنَنَا.

۱۱- عَلَيْنَا أَنْ نَبْتَعِدَ عَنِ الْعُجْبِ كَثِيرًا.

۱۳- ذَلِكَ مُتَّجِرٌ زَمِيلِي.

ب) اِنْتَجِبِ التَّرْجَمَةَ الصَّحِيحَةَ لِمَا تَحْتَهُ حَطًّا.

۱۴- جَبَلٌ دَمَوْنِدٌ أَعْلَىٰ جِبَالِ إِيرَانَ. (بلندترین - بهترین - بلندتر)

۱۶- سُورَةُ الْبَقَرَةِ أَكْبَرُ سُورَةٍ فِي الْقُرْآنِ. (بزرگ‌تر - طولانی‌ترین - بزرگ‌ترین)

۲- اَكْتُبِ الْمُرَادِفَ أَوْ الْمُتَضَادَّ لِكُلِّ كَلِمَةٍ أَمَامَهَا.

الف) كُفِّرَ - ذُنِبَ - عَنَ - عُدَاةً - رُبَّمَا - قَلِيلٌ

۲۰- ایمان

۱۹- کثیر

۱۸- اَحِيَّةٌ

۲۳- مِنْ

۲۲- اِنْهُمْ

۲۱- عَسَىٰ

ب) سَخِرَ مِنْ - اِنْتَقَى - مُحَاوَلَةً - قَبِيحَةً - حَرَّمَ - اِبْتَعَدَ

۲۶- اِسْتَهْزَأَ بِ-

۲۵- سَعَىٰ

۲۴- خَافَ

۲۹- اِفْتَرَبَ

۲۸- جَمِيلَةً

۲۷- اَحْلَىٰ

ج) ذُنِبَ - اجْتَنَابَ - حَفِيًّا - خَيْرَ - اَكْبَرَ - عَادِلٌ

۳۲- اِنْهُمْ

۳۱- اَفْضَلَ

۳۰- ظَالِمٌ

۳۵- اِبْتِعَادَ عَنِ

۳۴- اَصْغَرَ

۳۳- مَسْتَوٍ

۳- عَيَّنِ الْكَلِمَةَ الْغَرِيبَةَ فِي كُلِّ مَجْمُوعَةٍ.

۳۶- اَللُّغُوبُ

اَلْمُخْزَنُ

اَلْمُنْتَجِرُ

۳۷- اَحْسَنُ

اَصْلَحُ

اَحْمَرُ

اَجْمَلُ

(نوبتی فرداد ۱۴۰۲)

۲- ﴿يَسُّوْا الْاِسْمَ الْفُسُوْقَ بَعْدَ الْاِيْمَانِ ...﴾

۴- ﴿اِنَّكَ اَنْتَ عَلَامَةُ الْغُيُوْبِ﴾

۶- ﴿لَا يَسْخَرُ قَوْمٌ مِنْ قَوْمٍ ...﴾

۸- اِنَّ فُضْحَ النَّاسِ مِنْ كِبَائِرِ الذُّنُوْبِ.

۱۰- يَا رَبِّ، حَسَنٌ خُلِقِي كَمَا حَسَنْتَ خُلُقِي.

(برگرفته از امتحانات مدارس کشور)

۱۲- حَرَّمَ اللهُ الْاِسْتِهْزَاءَ بِالْآخِرِيْنَ.

(برگرفته از امتحانات مدارس کشور)

(برگرفته از امتحانات مدارس کشور)

۱۵- مَنْ غَلَبَتْ شَهْوَتُهُ عَقْلَهُ فَهُوَ شَرٌّ مِنَ الْبُهَائِمِ. (بدتر - بدترین - زشت‌تر)

۱۷- خَيْرٌ مِنَ الْخَيْرِ فَاعِلُهُ. (خوب‌ترین - خوب‌تر - خوبی)

(نوبتی فرداد ۱۴۰۲)

(نوبتی فرداد ۱۴۰۲)

- ۳۸- أَصْفَرٌ □ أَرْزَقُ □ أَكْثَرُ □ أَبْيَضُ □
 ۳۹- تَخْفِيزٌ □ غَالِيٌ □ سِغَرٌ □ زَمِيلٌ □
 ۴۰- سَجَزٌ □ عَابٌ □ تَرَكَ □ لَمَزَ □
 ۴۱- مَطْبَخٌ □ مَضْنَعٌ □ مَعْبَدٌ □ مَزَارِعٌ □
 ۴۲- أَنْفَعٌ □ آخِرٌ □ أَعْلَى □ آخِرٌ □
 ۴۳- سِرْوَالٌ □ فُسْتَانٌ □ قَمِيصٌ □ أَعْلَى □
 ۴۴- الْعَيْبَةُ □ الْأَسْتِهْزَاءُ □ التَّنَابُزُ بِالْأَلْقَابِ □ الْأَخْلَاقُ الْحَسَنَةُ □
 ۴۵- فُسُوقٌ □ غَيْبَةٌ □ تَوَاضَلٌ □ سُخْرِيَّةٌ □
 ۴۶- أَخْضَرٌ □ أَحْسَنٌ □ أَجْمَلٌ □ أَتْفَى □
 ۴۷- أَعْظَمٌ □ أَسْوَدٌ □ أَصْفَرٌ □ أَبْيَضٌ □
 ۴۸- لَا تَلْجِزُونَ □ لَا تَنَابُزُوا □ لَا يَسْخَرُونَ □ لَا نَعْتَابُ □
 ۴۹- أَكَلْتُمْ □ سَمَّيْنَا □ يُحِبُّ □ قَالَ □

(برگرفته از امتحانات مدارس کشور)

(برگرفته از امتحانات مدارس کشور)

(برگرفته از امتحانات مدارس کشور)

(برگرفته از امتحانات مدارس کشور)

۴- أَكْتُبْ مُفْرَدَةً أَوْ جَمْعَ الْكَلِمَاتِ التَّالِيَةِ.

- ۵۰- أَفَاضِلُ □
 ۵۲- كِبَائِرُ □
 ۵۴- مَوْقِفٌ □
 ۵۶- نَحْمٌ □
 ۵۸- مَطَايِخٌ □
 ۶۰- مَكْتَبَةٌ □
 ۶۲- فَسَاتِينٌ □
 ۶۴- سِغَرٌ □

(برگرفته از امتحانات مدارس کشور)

(برگرفته از امتحانات مدارس کشور)

(برگرفته از امتحانات مدارس کشور)

۵- تَرْجِمِ الْعِبَارَاتِ التَّالِيَةَ إِلَى الْفَارْسِيَّةِ.

- ۶۵- ﴿بَشَى الْإِسْمُ الْفُسُوقَ بَعْدَ الْإِيمَانِ وَ مَنْ لَمْ يَثْبُقْ فَأَوْلِيكَ هُمْ الظَّالِمُونَ﴾
 ۶۶- فَقَدْ حَرَمَ اللهُ تَعَالَى، الْإِسْتِهْزَاءَ بِالْآخِرِينَ.
 ۶۷- «أَكْبَرُ الْعَيْبِ أَنْ تَعِيبَ مَا فِيكَ مِثْلَهُ.»
 ۶۸- سَمَى بَعْضُ الْمُفَسِّرِينَ سُورَةَ الْحُجُرَاتِ بِسُورَةِ الْأَخْلَاقِ.
 ۶۹- شَرُّ النَّاسِ ذُو الْوَجْهَيْنِ.
 ۷۰- ﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اجْتَنِبُوا كَثِيرًا مِّنَ الظَّنِّ﴾
 ۷۱- خَيْرٌ إِخْوَانِكُمْ مَّنْ أَهْدَى إِلَيْكُمْ غِيوبَكُمْ.
 ۷۲- ﴿... اجْتَنِبُوا كَثِيرًا مِّنَ الظَّنِّ إِنَّ بَعْضَ الظَّنِّ إِثْمٌ﴾
 ۷۳- ﴿... لَا تَلْمِزُوا أَنْفُسَكُمْ وَ لَا تَنَابَزُوا بِالْأَلْقَابِ﴾
 ۷۴- ﴿... إِنَّ رَبَّكَ هُوَ أَعْلَمُ بِمَنْ ضَلَّ عَنْ سَبِيلِهِ﴾
 ۷۵- لَا تَعِيبُوا الْآخِرِينَ؛ وَ لَا تَلْقَبُوهُمْ بِالْفِئَابِ يَكْرَهُنَّهَا.
 ۷۶- الْعَيْبَةُ هِيَ مِنْ أَهَمِّ سَبَابِ قَطْعِ التَّوَاضُلِ بَيْنَ النَّاسِ.
 ۷۷- سُوءُ الظَّنِّ هُوَ أَنَّهُمْ شَخْصٍ لِشَخْصٍ آخَرَ بِدُونِ دَلِيلٍ مَنْطِقِيٍّ.
 ۷۸- اَلتَّجَسُّسُ هُوَ مُحَاوَلَةٌ قَبِيحَةٌ لِكَشْفِ أَسْرَارِ النَّاسِ لِفَضْحِهِمْ وَ هُوَ مِنْ كِبَائِرِ الذُّنُوبِ.
 ۷۹- مَنْ غَلَبَتْ شَهْوَتُهُ عَقْلَهُ فَهُوَ شَرٌّ مِنَ الْبَهَائِمِ.
 ۸۰- شَرُّ النَّاسِ مَنْ لَا يَتَّقِدُ الْأَمَانَةَ وَ لَا يَجْتَنِبُ الْخِيَانَةَ.
 ۸۱- خَيْرٌ مِنَ الْخَيْرِ فَاعِلُهُ، وَ أَجْمَلٌ مِنَ الْجَمِيلِ قَائِلُهُ.
 ۸۲- اَللَّهُمَّ كَمَا حَسَنْتَ خَلْقِي، فَحَسِّنْ خُلُقِي.
 ۸۳- مَنْ سَاءَ خُلُقُهُ عَدَبَ نَفْسَهُ.
 ۸۴- ﴿... مَنْ بَعَثْنَا مِنْ مَرْقَدِنَا هَذَا مَا وَعَدَ الرَّحْمَنُ وَ صَدَقَ الْمُرْسَلُونَ﴾

(برگرفته از امتحانات مدارس کشور)

(نوبتی فرداد ۱۴۰۲)

(نوبتی فرداد ۱۴۰۲)

(برگرفته از امتحانات مدارس کشور)

(برگرفته از امتحانات مدارس کشور)

(برگرفته از امتحانات مدارس کشور)

(برگرفته از امتحانات مدارس کشور)

(برگرفته از امتحانات مدارس کشور)

(برگرفته از امتحانات مدارس کشور)

(برگرفته از امتحانات مدارس کشور)

(برگرفته از امتحانات مدارس کشور)

(برگرفته از امتحانات مدارس کشور)

(برگرفته از امتحانات مدارس کشور)

(برگرفته از امتحانات مدارس کشور)

(برگرفته از امتحانات مدارس کشور)

۶- اِفْرَأِ الْعِبَارَاتِ التَّالِيَةَ، ثُمَّ عَيِّنْ تَرْجَمَتَهَا الصَّحِيحَةَ.

۸۵- فاطمة أَكْبَرُ مِنْ مَرْيَمَ.

- (۱) فاطمه مريم را بزرگ کرد.
 (۲) فاطمه از مريم بزرگتر است.

۸۶- أَحْسَنُ زَيْنَةَ الرَّجُلِ السَّكِينَةُ مَعَ إِيمَانٍ.

- (۱) بهترین زينت مرد، آرامش همراه با ايمان است.
 (۲) خوبترين زينت انسان، ساکن بودن در ايمان است.

۸۷- ﴿بِئْسَ الْأِسْمُ الْفُسُوقُ بَعْدَ الْإِيمَانِ﴾

- (۱) بد است نام آلوده شدن به گناه پس از ايمان.
 (۲) بد است نام بد نهادن به ديگران پس از ايمان.

۸۸- قَدْ يَكُونُ بَيْنَ النَّاسِ مَنْ هُوَ أَحْسَنُ مِنَّا.

- (۱) گاهی در میان مردم کسی که او از ما بهتر است، می باشد.
 (۲) قطعاً در میان مردم کسی که او از ما نیکوتر است، به وجود می آید.

۸۹- خَيْرٌ إِخْوَانِكُمْ مَنْ أَهْدَى إِلَيْكُمْ غُيُوبَكُمْ.

- (۱) برادران نیکوی شما کسی است که عیب هایتان را به شما هدیه کند.
 (۲) بهترین برادرانتان کسی است که عیب هایتان را به شما هدیه کند.

(برگرفته از امتحانات مدارس کشور)

۹۰- لَيْسَ شَيْءٌ أَثْقَلَ فِي الْمِيزَانِ مِنَ الْخُلُقِ الْحَسَنِ: در ترازوی

- (۱) چیزی به سنگینی اخلاق خوب نیست.
 (۲) چیزی سنگین تر از اخلاق خوب نیست.

(برگرفته از امتحانات مدارس کشور)

اعمال ...

۹۱- أَحْسَنُ زَيْنَةِ الرَّجُلِ السَّكِينَةُ مَعَ إِيمَانٍ.

- (۱) زينت انسان خوب، آرامش با ايمان است.
 (۲) بهترین زيور انسان، آرامش همراه ايمان است.

(برگرفته از امتحانات مدارس کشور)

۹۲- ﴿... وَالْآخِرَةُ خَيْرٌ وَأَبْقَى﴾

- (۱) «حال آن که آخرت خوب و ماندگار است.»
 (۲) «حال آن که آخرت بهتر و ماندگارتر است.»

۷- كَمِّلِ الْفُرَاقَاتِ فِي التَّرْجَمَةِ الْفَارِسِيَّةِ.

۹۳- ﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا يَسْخَرْ قَوْمٌ مِّن قَوْمٍ﴾: ای کسانی که ایمان آورده اید،

۹۴- ﴿وَلَا تَلْمِزُوا أَنفُسَكُمْ وَلَا تَنَابَزُوا بِاللِّغَابِ﴾: و از خودتان (از یکدیگر) عیب نگیرید و

۹۵- اللَّهُمَّ كَمَا حَسَّنْتَ خَلْقِي، فَحَسِّنْ خُلُقِي: خدایا! که آفرینش را نیکو گردانیدی، خُلقم را (برگرفته از امتحانات مدارس کشور)

۹۶- بِكُمْ تِوْمَانٍ أَفْضَلُ الْفَسَاتِينِ؟ أُرِيدُ أَرْحَضَ مِنْ هَذَا: پیراهن های زنانه چند تومان است؟ از این (برگرفته از امتحانات مدارس کشور)

۹۷- سَيِّدِي، يَخْتَلِفُ السَّعْرُ حَسَبَ النُّوعِيَّاتِ: آقا! قيمت بر حسب متفاوت است. (برگرفته از امتحانات مدارس کشور)

۹۸- مَن عَلَبَتْ شَهْوَتُهُ عَقْلَهُ فَهُوَ شَرٌّ مِنَ الْبُهَائِمِ: هر کس شهوتش بر عقلش ، او از چارپایان است.

۹۹- ﴿وَالْآخِرَةُ خَيْرٌ وَأَبْقَى﴾: و آخرت و است.

۸- تَرْجِمِ الْأَفْعَالَ التَّالِيَةَ.

۱۰۰- قَدْ أَحْسَنْتُ:	۱۰۱- أَحْسِنُوا:	إِحْسَانٌ: نیکی کردن
۱۰۲- تُحْسِنِينَ:	۱۰۳- لَا تُحْسِنَا:	
۱۰۴- سَوْفَ يَنْكَبِرُونَ:	۱۰۵- اِنْكَسِرْ:	اِنْكَسَارٌ: شکسته شدن
۱۰۶- قَدْ يَنْكَبِرُ:	۱۰۷- لَا تَنْكَبِرِي:	
۱۰۸- اِفْتَرَبَا:	۱۰۹- تَقْتَرِبُونَ:	اِفْتِرَابٌ: نزدیک شدن
۱۱۰- كَانُوا يَقْتَرِبُونَ:	۱۱۱- لَا تَقْتَرِبْ:	
۱۱۲- اِسْتَعْفَرْنَا:	۱۱۳- نَسْتَعْفِرُ:	اِسْتِغْفَارٌ: آمرزش خواستن
۱۱۴- اِسْتَعْفِرُوا:	۱۱۵- سَأَسْتَعْفِرُ:	
۱۱۶- مَا سَافَرْتُ:	۱۱۷- سَتَسَافِرُونَ:	مَسَافَرَةٌ: سفر کردن
۱۱۸- لَا تُسَافِرِي:	۱۱۹- سَافِرُوا:	
۱۲۰- قَدْ تَعَلَّمْتُ:	۱۲۱- قَدْ يَتَعَلَّمُونَ:	تَعَلُّمٌ: یاد گرفتن
۱۲۲- تَعَلَّمُوا (امر):	۱۲۳- سَتَتَعَلَّمِينَ:	
۱۲۴- تَبَادَلْنَا (ماضی):	۱۲۵- سَأَتَبَادَلُ:	تَبَادُلٌ: عوض کردن
۱۲۶- لَا تَتَبَادَلِي:	۱۲۷- تَبَادَلَا (امر):	
۱۲۸- قَدْ عَلَّمْتُ:	۱۲۹- سَيُعَلِّمُونَ:	تَعْلِيمٌ: آموزش دادن
۱۳۰- عَلَّمَا:	۱۳۱- لَا تُعَلِّمِي:	

۹- اُكْتُبِ الْعَمَلِيَّاتِ الْجِسَائِيَّةَ التَّالِيَةَ.

۱۳۳- وَاحِدٌ وَتِسْعُونَ زَائِدٌ تِسْعَةَ إِسْوَی مِئَةٍ.

۱۳۲- خَمْسَةٌ فِي أَرْبَعَةٍ إِسْوَی عِشْرِينَ.

(نهایی فرداد ۱۴۰۲)

۱۰- اجْعَلْ فِي الْفَرَاغِ الْغَدَّةَ الْأَصْلِيَّ أَوْ التَّرْتِيبِيَّ:

۱۳۵- مِثْنَانِ تَقْسِيمٌ عَلَى اثْنَيْنِ إِسْوَی

۱۳۴- الْيَوْمُ مِنْ الْأَسْبُوعِ يَوْمُ الثَّلَاثَاءِ.

(نهایی فرداد ۱۴۰۲)

۱۱- اِنتَخِبْ فِي الْفَرَاغِ عَدَدًا مُنَاسِبًا:

ثَلَاثَةٌ وَ ثَمَانِينَ أَرْبَعَةٌ وَ عِشْرِينَ

۱۳۶- ثَمَانِيَةٌ فِي ثَلَاثَةٍ إِسْوَی

عَشْرَةٌ خَمْسَةٌ

۱۳۷- زَائِدٌ أَرْبَعَةَ إِسْوَی أَرْبَعَةَ عَشَرَ.

۱۲- اِنتَخِبِ الْجَوَابَ الصَّحِيحَ.

الظَّالِمُونَ المَظْلُومَانِ أَظْلَمَ

۱۳۸- اِسْمُ الْفَاعِلِ:

الإِحْسَانِ الْمُحْسِنِ الْمُحْسَنَ

۱۳۹- اِسْمُ الْمَفْعُولِ:

مَدْرَسَةٍ مَدْرَسَ دَرَسَ

۱۴۰- اِسْمُ الْمَكَانِ:

هَامَ هَامَ هَامَ

۱۴۱- اِسْمُ التَّفْضِيلِ:

۱۳- تَرِجِمِ التَّرَاكِيِبَ التَّالِيَةَ، ثُمَّ عَيِّنِ اِسْمَ الْفَاعِلِ وَ اِسْمَ الْمَفْعُولِ وَ اِسْمَ الْمُبَالِغَةِ وَ اِسْمَ الْمَكَانِ وَ اِسْمَ التَّفْضِيلِ.

۱۴۳- أَضَدُّ النَّاسِ.

۱۴۲- يَا عَفَّارَ الدُّنُوبِ.

۱۴۵- مُرْسِلُ الْأَنْبِيَاءِ.

۱۴۴- مَطَاعِمُ الْمَدِينَةِ.

۱۴۶- يَا نَاصِرَ كُلِّ مَظْلُومٍ.

۱۴- عَيِّنِ الْمُبْتَدَأَ وَ الْخَبَرَ وَ الْفَاعِلَ وَ الْمَفْعُولَ فِي الْعِبَارَاتِ التَّالِيَةِ.

۱۴۸- يَضْنَعُ الْحُقَاشُ وَكُنْهَ فِي جِدَارِ بَيْتِ قَدِيمٍ.

۱۴۷- جَبَلٌ دَمَاوَنَدٌ أَعْلَى مِنْ جَبَلِ دِنَا.

۱۴۹- حَرَّمَ اللَّهُ فِي هَذِهِ الْآيَةِ الْإِسْتِهْزَاءَ.

۱۵- عَيِّنِ الْمَطْلُوبَ مِنْكَ.

۱۵۰- الْغَيْبَةُ هِيَ أَنْ تَذْكَرَ أَحَاكَ وَ أَحْتَاكَ بِمَا يَكْزُهَانِ. (الْمُبْتَدَأُ وَ الْجَارُّ وَ الْمَجْرُورُ)

۱۵۱- تَنْصَحُنَا الْآيَةُ الشَّرِيفَةُ. (الْفَاعِلُ وَ الصِّفَةُ)

۱۵۲- أَثْقَلَ الْأَشْيَاءِ فِي الْمِيزَانِ الْخُلُقُ الْحَسَنُ (الْمُضَافُ إِلَيْهِ وَ الْخَبَرُ)

۱۵۳- أَفْضَلُ الْأَعْمَالِ الْكَسْبُ مِنَ الْخَلَالِ. (اسْمُ التَّفْضِيلِ وَ الْخَبَرُ)

۱۶- عَيِّنِ الْمَحَلَّ الْإِعْرَابِيَّ لِلْكَلِمَاتِ الْمَلُونَةِ.

۱۵۵- ﴿ وَ أَنْصُرْنَا عَلَى الْقَوْمِ الْكَافِرِينَ ﴾

۱۵۴- ﴿ يَضْرِبُ اللَّهُ الْأَمْثَالَ لِلنَّاسِ ﴾

۱۵۷- سُورَةُ الْبَقَرَةِ أَكْبَرُ سُورَةٍ فِي الْقُرْآنِ.

۱۵۶- «أَدَبُ الْمَرْءِ خَيْرٌ مِنْ ذَهَبِهِ.»

۱۵۹- مَنْ سَاءَ خُلُقُهُ عَدَبَ نَفْسَهُ.

۱۵۸- عِدَاوَةُ الْعَاقِلِ خَيْرٌ مِنْ صَدَاقَةِ الْجَاهِلِ.

۱۶۱- سُرُّ النَّاسِ مَنْ لَا يَعْتَقِدُ الْأَمَانَةَ وَ لَا يَجْتَنِبُ الْخِيَانَةَ.

۱۶۰- خَيْرُ الْأُمُورِ أَوْسَطُهَا.

۱۷- اُكْتُبْ فِي الْفَرَاغِ كَلِمَةً مُنَاسِبَةً حَسَبَ الْمَعْنَى.

۱۶۲- اَلتَّجَسُّسُ مُحَاوَلَةٌ لِكَشْفِ أَسْرَارِ النَّاسِ. (حَسَنَةٌ - تَسْمِيَةٌ - قَبِيحَةٌ)

۱۶۳- مَنْ سَاءَ خُلُقُهُ نَفْسَهُ. (عَدَبٌ - أَدَبٌ - ذَكَرٌ)

۱۸- عَيِّنِ الْجُمْلَةَ الصَّحِيحَةَ وَ غَيْرِ الصَّحِيحَةِ حَسَبَ الْحَقِيقَةِ.

۱۶۴- كَانَتْ مَكْتَبَةٌ جُنْدِي سَابُورٍ فِي خُوزِسْتَانِ.

۱۶۵- السَّعْيُ لِمَعْرِفَةِ أَسْرَارِ الْآخِرِينَ أَمْرٌ جَمِيلٌ.

۱۶۶- خَيْرُ النَّاسِ ذُو الْوَجْهِينِ.

(نهایی فرداد ۱۴۰۲)

(نوبتی فردا ۱۳۰۲)

۱۹- صَعَّ فِي الْفَرَاغِ كَلِمَةً مُنَاسِبَةً مِنَ الْكَلِمَاتِ التَّالِيَةِ. (كَلِمَةٌ وَاحِدَةٌ زَائِدَةٌ).

تَبَايَرَ - أَضْلَحَ - أَسْكَنَ

۱۶۷- عَضَفَتْ رِيَاخٌ شَدِيدَةً وَ حَدَثَ فِي مِيَاهِ الْمَحِيْطِ. ۱۶۸- ﴿وَايَا آدَمَ أَنْتَ وَ زَوْجَكَ الْجَنَّةَ﴾

۲۰- صَعَّ فِي الْفَرَاغِ كَلِمَةً مُنَاسِبَةً حَوْلَ الْجَوَارِ.

۱۶۹- بِكُمْ تَوْمَانٍ هَذِهِ ؟ (السَّرَاوِيلُ - الْكِتَابُ) ۱۷۰- الْأَشْعَارُ جِدًّا. (سَوْقٌ - غَالِيَةٌ)

۲۱- الْف) رَتَّبِ الْكَلِمَاتِ التَّالِيَةَ حَتَّى تَصِيرَ جُمْلَةً صَحِيحَةً.

۱۷۱- مَتَجَرَ - ذَلِكَ - ي - زَمِيل ۱۷۲- مِنْ - الذَّنُوبِ - ذَلِكَ - كِبَائِرِ

ب) رَتَّبِ الْكَلِمَاتِ وَ اكْتُبْ سُؤَالَ صَحِيحًا:

كَمْ - الرَّجَالِيَّ - سِعَرَ - هَذَا - الْقَمِيصِ

۱۷۳- ؟ سِتُونَ أَلْفَ تَوْمَانٍ.

۲۲- إِقْرَأِ النَّصَّ التَّالِيَّ، ثُمَّ أَجِبْ عَنِ الْأَسْئَلَةِ.

تُوَدِّي الدَّلَافِينَ دَوْرًا مُهِمًّا فِي الْحَرْبِ وَ السَّلْمِ وَ تَكْشِفُ مَا تَحْتَ الْمَاءِ مِنْ عَجَائِبٍ وَ أَسْرَارٍ وَ تُسَاعِدُ الْإِنْسَانَ عَلَى اكْتِشَافِ أَمَاكِنِ تَجَمُّعِ الْأَسْمَاكِ.

۱۷۴- مَاذَا تَكْشِفُ الدَّلَافِينَ؟ ۱۷۵- مَنْ هُوَ يُسَاعِدُ الْإِنْسَانَ؟

۱۷۶- مَتَى تُوَدِّي الدَّلَافِينَ دَوْرًا مُهِمًّا؟ ۱۷۷- عَيْنِ الصَّفَةِ وَ الْفَاعِلِ فِي النَّصِّ.

۴۱- واژه «مُزَارِع: کشاورز» با بقیه گزینه‌ها که همگی بر وزن «مَفْعَل» و اسم مکان هستند، فرق دارد.
 ۴۲- واژه «آخِر: پایان» که بر وزن «فَاعِل» بوده و اسم فاعل است، با سه گزینه دیگر که همگی بر وزن «أَفْعَل» و اسم تفضیل هستند، متفاوت است.

نکته

واژه «آخِر» در اصل بر وزن «أَفْعَل» است و «اسم تفضیل» به شمار می‌رود، هرچند معنای تفضیلی خود را از دست داده است!

۴۳- واژه «أَعْلَى: گران‌تر، گران‌ترین» بر وزن «أَفْعَى» اسم تفضیل است و با سه گزینه دیگر که همگی به نوعی پوشاک هستند، تفاوت دارد.
 ۴۴- واژه «الأَخْلَاقُ الحَسَنَةُ: اخلاق نیکو» جزء صفات اخلاقی پسندیده است، در حالی که سه واژه دیگر از «صفات اخلاقی ناپسند» به شمار می‌روند.
 ۴۵- واژه «تَوَاضَل: ارتباط» با سه واژه دیگر که همگی از «صفات ناپسند اخلاقی» هستند، فرق دارد.
 ۴۶- واژه «أَخْضَر: سبز» هرچند بر وزن «أَفْعَل» است، ولی اسم تفضیل محسوب نمی‌شود؛ در صورتی که سه واژه دیگر همگی «اسم تفضیل» می‌باشند.

نکته

رنگ‌هایی که بر وزن «أَفْعَل» هستند، اسم تفضیل محسوب نمی‌شوند؛ مانند: أبيض (سفید)، أسود (سیاه)، أزرَق (آبی) و ...

۴۷- واژه «أَعْظَم: بزرگ‌تر، بزرگ‌ترین» بر وزن «أَفْعَل» و اسم تفضیل است، ولی سه واژه دیگر هرچند بر وزن «أَفْعَل» هستند، ولی چون مؤنثشان بر وزن «فَعْلَى» نیست، اسم تفضیل به شمار نمی‌روند.
 ۴۸- «لا تَنَابَزُوا» فعل نهی است، زیرا نون آخر فعل مضارع حذف شده است، ولی سه فعل دیگر مضارع منفی هستند، زیرا آخرشان نه ساکن شده و نه نونشان حذف شده است.
 ۴۹- «يُحِبُّ: دوست دارد» فعل مضارع است، ولی سه فعل دیگر همگی ماضی هستند. (أَكَلْتُمْ: خوردید / سَمَّيْنَا: نامیدیم / قَالَ: گفت)

۴- مفرد یا جمع کلمات زیر را بنویس.

- ۵۰- أَفْضَلُ ← مفرد (برتر)
 ۵۱- مَيِّت ← جمع (أموات، موتی (مردگان)
 ۵۲- كِبَائِر ← مفرد (كبيرة (گناه بزرگ)
 ۵۳- غَيْب ← جمع (غیوب (عیب‌ها)
 ۵۴- مَوْقِف ← جمع (مواقف (ایستگاه‌ها)
 ۵۵- أَمْوات ← مفرد (میت، میت (مرده)
 ۵۶- لَحْم ← جمع (لحوم (گوشت‌ها)
 ۵۷- مَلْعَب ← جمع (ملاعب (ورزشگاه‌ها)
 ۵۸- مَطْبِخ ← مفرد (مطبخ (آشپزخانه)
 ۵۹- مَطْعَم ← مفرد (رستوران)
 ۶۰- مَكْتَبَة ← جمع (مکاتب (کتابخانه‌ها)

- ۱- الف) ترجمه کلماتی را که زیر آن‌ها خط کشیده شده، مشخص کن.
 ۱- بسیار توبه‌پذیر
 ۲- آلوده شدن به گناه
 ۳- شاید
 ۴- بسیار دانا
 ۵- دوری کنید (ببرهیزید)
 ۶- نباید مسخره کند
 ۷- عیب‌جویی نکنید
 ۸- رسوا کردن
 ۹- ارتباط
 ۱۰- نیکو گردانیدی
 ۱۱- خودپسندی
 ۱۲- ریشخند کردن
 ۱۳- مغازه

ب) ترجمه درست کلماتی را که زیر آن‌ها خط کشیده شده، انتخاب کن.
 ۱۴- کوه دماوند بلندترین کوه‌های ایران است.
 ۱۵- هر کس شهوتش (هوای نفسش) [بر] خردش چیره شود، او از چهارپایان (چارپایان) بدتر است.
 ۱۶- سوره بقره بزرگ‌ترین سوره در قرآن است.
 ۱۷- خوب‌تر از خوبی، انجام‌دهنده آن است.
 ۲- مترادف یا متضاد هر یک از کلمات را در مقابل آن بنویس.

- ۱۸- أَحِبَّة (دوستان) ❌ عُدَاة (دشمنان)
 ۱۹- كَثِير (زیاد) ❌ قَلِيل (کم) ۲۰- إِيْمَان (ایمان) ❌ كُفْر (کفر)
 ۲۱- عَسَى (شاید) ❌ وَثَمَا (شاید) ۲۲- إِيْمٌ ❌ ذَنْب (گناه)
 ۲۳- مِنْ (از) ❌ عَن (از)
 ۲۴- خَاف (ترسید، پروا کرد) ❌ إِيْتَقَى (ترسید، پروا کرد)
 ۲۵- سَعَى (مُحَاوَلَة تلاش کردن)
 ۲۶- إِسْتَهْرَأَ بِ- ❌ سَخَّرَ مِنْ (ریشخند کرد، مسخره کرد)
 ۲۷- أَحَلَّ (حلال کرد) ❌ حَرَّمَ (حرام کرد)
 ۲۸- جَمِيلَة (زیبا) ❌ قَبِيحَة (زشت)
 ۲۹- إِفْتَرَبَ (نزدیک شد) ❌ إِبْتَعَدَ (دور شد)
 ۳۰- ظَلَمَ (ستمگر) ❌ عَادَلَ (دادگر)
 ۳۱- أَفْضَل (خیر (بهتر؛ بهترین)
 ۳۲- إِيْمٌ ❌ ذَنْب (گناه)
 ۳۳- مَسْتَوِر (خَفِي (پنهان)
 ۳۴- أَصْغَر (کوچک‌تر، کوچک‌ترین) ❌ أَكْبَر (بزرگ‌تر، بزرگ‌ترین)
 ۳۵- إِبْتِعَادَ عَن (اجتناب (دوری کردن (از))

۳- کلمه بیگانه و ناهماهنگ را در هر گروه مشخص کن.

- ۳۶- بازار گناهان مغازه انبار
 واژه «الذُّنُوب: گناهان» با بقیه گزینه‌ها که بیانگر مکان است، تفاوت دارد.
 ۳۷- أَحْمَر ۳۸- أَكْثَر
 ۳۹- تخفیف گران قیمت هم‌شاگردی
 واژه «زَمِيل: هم‌شاگردی» با بقیه گزینه‌ها که درباره خرید و فروش است، تفاوت دارد.
 ۴۰- واژه «تَرَكَ: ترک کرد» با بقیه گزینه‌ها که بیانگر صفات اخلاقی ناپسند (نکوهیده) است، تفاوت دارد.

۶۱- سِزْوال جمع ← سِراوِیل (شلوارها)

۶۲- فِساتین مفرد ← فُستان (پیراهن زنانه)

۶۳- کَبیرَة جمع ← کَبائِر (کناهان بزرگ)

۶۴- سِغَر جمع ← اَشعار (قیمت‌ها)

۵- عبارتهای زیر را به فارسی ترجمه کن.

۶۵- «بَدنامی است [لقب‌دادن دیگران به کُفر و] فِشَق پس از ایمان، و هر کس توبه نکند، پس آنان‌اند ستمکاران (آنان همان ستمکاران هستند).

۶۶- خدائوند بلندمرتبه، ریشخندکردن دیگران را حرام کرده است.

۶۷- بزرگ‌ترین عیب آن است که آن‌چه را که همانند آن در تو است، عیب‌گیری (عیب‌جویی کنی).

۶۸- برخی از مفسران، سوره حُجرات را «سوره اخلاق» نامیدند.

۶۹- بدترین مردم، [انسان] دو رو است.

۷۰- ای کسانی که ایمان آورده‌اید، از بسیاری از گمان‌ها بپرهیزید.

۷۱- بهترین برادرانتان (دوستانتان) کسی است که عیب‌هایتان را به شما هدیه کند.

۷۲- «از بسیاری از گمان‌ها بپرهیزید، زیرا برخی از گمان‌ها گناه است.»

۷۳- «... و از یکدیگر [با زبان و ...] عیب‌جویی نکنید و به یکدیگر لقب‌های زشت ندهید.»

۷۴- «... زیرا پروردگار تو داناتر است به کسی که از راه او گم گشته [و گمراه شده] است.»

۷۵- از دیگران عیب‌جویی نکنید، و با لقب‌هایی که آن‌ها را ناپسند می‌دارند، آنان را لقب ندهید.

۷۶- غیبت، از مهم‌ترین علت‌های قطع ارتباط میان مردم است.

۷۷- بدگمانی، متهم کردن شخصی توسط شخصی دیگر بدون [هیچ] دلیل منطقی است.

۷۸- جاسوسی کردن، تلاشی زشت [و ناپسند] برای آشکارکردن اسرار مردم به منظور رسواکردن آنان است و آن از گناهان بزرگ است.

۷۹- هر کس شهوتش (هوای نَفْسش) بر خردش چیره شود، او از چارپایان بدتر است.

۸۰- بدترین مردم کسی است که به امانت اعتقاد (باور) ندارد و از خیانت دوری نمی‌کند.

۸۱- بهتر از خوبی، انجام‌دهنده‌اش است و زیباتر از زیبا، گوینده‌اش است.

۸۲- خدایا! همان‌گونه که آفرینش را نیکو گردانیدی، اخلاقم را [نیز] نیکو گردان.

۸۳- هر کس اخلاقش بدشود، خودش را عذاب می‌دهد (شکنجه می‌کند).

۸۴- «... چه کسی ما را از خوابگاهمان برانگیخت؟ این [همان] چیزی است که خدای رحمان وعده داد و پیامبران راست گفتند.»

۶- عبارتهای زیر را بخوان و سپس ترجمه درست آن‌ها را مشخص کن.

۸۵- گزینَة «۲»؛ أَكْبَرُ: بزرگ‌تر

۸۶- گزینَة «۱»؛ اَلسَّكِينَة: آرامش / مَعَ اِيمانٍ: همراه با ایمان

۸۷- گزینَة «۱»؛ اَلْفُسُوقُ: آلوده‌شدن به گناه

۸۸- گزینَة «۱»؛ هرگاه حرف «قَدْ» پیش از فعل مضارع بیاید، به

معنی «گاهی» است و اگر پیش از فعل ماضی بیاید، گاهی به معنی «قطعاً، حتماً» است، ولی معمولاً معادل «ماضی نقلی» در فارسی است.

۸۹- گزینَة «۲»؛ [چون پس از واژه «خَيْر» مضاف‌الیه آمده‌است، در چنین حالتی، معمولاً باید واژه «خَيْر» به صورت «صفت عالی» ترجمه شود.]

۹۰- گزینَة «۲»؛ ازیرا «أثْقَل» که بر وزن «أفْعَل» است، اسم تفضیل می‌باشد و به دلیل آمدن حرف جَرّ «مِن» پس از آن (چه بی‌فاصله و چه بافاصله)، باید به صورت «صفت تفضیلی» (صفت برتر) ترجمه شود.]

۹۱- گزینَة «۲»؛ ازیرا «أَحْسَن» که بر وزن «أفْعَل» است، اسم تفضیل می‌باشد و به دلیل داشتن مضاف‌الیه (یعنی خودش مضاف واقع شده)،

معمولاً به صورت «صفت عالی» (صفت برترین) ترجمه می‌شود.]

۹۲- گزینَة «۲»؛ [زیرا در این آیه شریفه، «خَيْرٌ» و «أَبْقَى» صفت تفضیلی هستند و باید به صورت «صفت تفضیلی» (صفت برتر) ترجمه شوند نه صفت ساده.]

۷- جاهای خالی را در ترجمه فارسی کامل کن.

۹۳- ای کسانی که ایمان آورده‌اید، نباید قومی [از شما] قومی دیگر را مسخره کند.

📷 بلاوری فعل «لَا يَسْخَرُ: نباید مسخره کند» فعل نهی غایب است که در درس ششم با این نوع از فعل نهی آشنا خواهید شد.

۹۴- از خودتان (از یکدیگر) عیب‌نگیرید و به یکدیگر لقب‌های زشت ندهید.

۹۵- همان‌گونه - نیکو گردان

۹۶- بهترین - ارزان‌تر - می‌خواهم

۹۷- جنس‌ها (آجناس)

۹۸- چیره شود - بدتر

۹۹- بهتر - ماندگارتر (پایدارتر)

۸- افعال زیر را ترجمه کن.

۱۰۰- قَدْ أَحْسَنْتُ: نیکی کرده‌ام، «معادل ماضی نقلی، متکلم وحده»

نکته

[«قَدْ + فعل ماضی = ماضی نقلی در زبان فارسی»]

۱۰۱- أَحْسِنُوا: نیکی کنید، «فعل امر، جمع مذکر مخاطب»

۱۰۲- تُحْسِنِينَ: نیکی می‌کنی، «مضارع، مفرد مؤنث مخاطب»

۱۰۳- لَا تُحْسِنَا: نیکی نکنید، «نهی، مثنای مذکر یا مؤنث مخاطب»

۱۰۴- سَوْفَ يَنْكَسِرُونَ: شکسته خواهند شد، «مستقبل، جمع مذکر غایب»

۱۰۵- اِنْكَسِرْ: شکسته شو، «امر، مفرد مذکر مخاطب»

۱۰۶- قَدْ يَنْكَسِرُ: گاهی شکسته می‌شود، شاید شکسته شود، «مضارع، مفرد مذکر غایب»

نکته

[«قَدْ + فعل مضارع» = گاهی + مضارع اخباری / شاید + مضارع

التزامی]

۱۰۷- لَا تَنْكَسِرِي: شکسته نشو، «نهی، مفرد مؤنث مخاطب»

۱۰۸- اِفْتَرَبَا: نزدیک شدند، «ماضی، مثنای مذکر غایب»



اسم تفضیل و اسم مکان

۱- اسم تفضیل: اسم تفضیل، مفهوم «برتری» دارد که معادل «صفت برتر» و «صفت برترین» در زبان فارسی است.

- الف) اسم تفضیل از نظر جنس
- ۱- مذکر: بر وزن «أَفْعَل» به کار می‌رود؛ مانند: أَكْبَرُ (بزرگ‌تر، بزرگ‌ترین) / «أَفْضَلُ» (بهتر، بهترین)
- ۲- مؤنث: بر وزن «فَعْلَى» به کار می‌رود؛ مانند: كُبْرَى (بزرگ‌تر، بزرگ‌ترین) / «فُضْلَى» (بهتر، بهترین)
- توجه: «اسم تفضیل» در حالت مقایسه میان دو اسم مؤنث، معمولاً بر همان وزن «أَفْعَل» به کار می‌رود.

مثال: مَرِيْمٌ أَضْعَفُ مِنْ فَاطِمَةَ. مریم از فاطمه کوچک‌تر است.

اسم مؤنث اسم تفضیل اسم مؤنث

(بر وزن «أَفْعَل»)

ب) جمع اسم تفضیل

معمولاً جمع اسم تفضیل «أَفْعَل» بر وزن «أَفَاعِل» می‌آید؛ مانند: أَرْدَلٌ جمع / أَرَادِلٌ / أَفْضَلٌ جمع / أَفَاضِلٌ

- الف) صفت برتر: هرگاه پس از اسم تفضیل، حرف جرّ «مِنْ» بیاید، اسم تفضیل به صورت «صفت برتر» ترجمه می‌شود.
- مثال: الْمَحِيْطُ أَكْبَرُ مِنَ الْبَحْرِ: اقیانوس از دریا بزرگ‌تر است.
- اسم تفضیل حرف جرّ صفت برتر

- ب) صفت برترین: هرگاه پس از اسم تفضیل، «مُضَافٌ إِلَيْهِ» بیاید، اسم تفضیل به صورت «صفت برترین» ترجمه می‌شود.
- مثال: سُورَةُ الْبَقَرَةِ أَكْبَرُ سُورَةٍ فِي الْقُرْآنِ: سوره بقره بزرگ‌ترین سوره در قرآن است.
- اسم تفضیل مضاف‌إلیه صفت برترین

هرگاه پس از دو کلمه «خَيْرٌ» و «شَرٌّ» که در اصل به معنای «خوب، خوبی» و «بد، بدی» هستند، حرف جرّ «مِنْ» یا «مُضَافٌ إِلَيْهِ» بیاید، در چنین حالتی معمولاً معنای اسم تفضیل خواهند داشت که در این صورت مانند حالت «ج» (اسم تفضیل از نظر ترجمه) ترجمه می‌شوند.

مثال: تَفَكَّرْ سَاعَةً حَيًّا مِنْ عِبَادَةِ سَبْعِينَ سَنَةً: ساعتی اندیشیدن بهتر از هفتاد سال عبادت است.

اسم تفضیل حرف جرّ

شَرُّ النَّاسِ مَنْ لَا يَعْتَقِدُ الْأَمَانَةَ وَلَا يَجْتَنِبُ الْخِيَانَةَ: بدترین مردم کسی است که به امانت معتقد نباشد و از خیانت دوری نکند.

اسم تفضیل مضاف‌إلیه

صفت برترین

۲- اسم مکان: اسم مکان بر «مکان» دلالت دارد و بر سه وزن «مَفْعَلٌ»، «مَفْعِلٌ» و «مَفْعَلَةٌ» به کار می‌رود؛ مانند: مَلْعَبٌ: ورزشگاه / مَطْبَخٌ: آشپزخانه / مَطْبَعَةٌ: چاپخانه

جمع اسم مکان، بر وزن «مفاعیل» است؛ مانند: مَلَاعِبٌ: ورزشگاه‌ها / مَطَابِخٌ: آشپزخانه‌ها / مَطَابِعٌ: چاپخانه‌ها

اسلوب شرط و ادوات آن

در زبان عربی، جملات شرطی از سه رکن تشکیل شده است:

۱- ادوات شرط: مهم‌ترین ادوات شرط عبارت‌اند از: «مَنْ: هر کس»، «مَا: هر چه»، «إِنْ: اگر»، «إِذَا: هرگاه، اگر».

این ادوات معمولاً بر سر عباراتی می‌آیند که دو فعل داشته باشند. («فعل شرط» و «جواب شرط»)

مثال: مَنْ يَجْتَهِدْ يَنْجَحْ: هر کس تلاش کند، موفق می‌شود.

ادوات شرط

۲- **فعل شرط:** به اولین فعل در جمله شرطی گفته می‌شود.

مثال: مَنْ يَجْتَهِدْ يَنْجَحْ: هر کس تلاش کند، موفق می‌شود.

فعل شرط

۳- **جواب شرط:** به دومین فعل یا دومین جمله در جمله شرطی گفته می‌شود.

مثال: مَنْ يَجْتَهِدْ يَنْجَحْ: هر کس تلاش کند، موفق می‌شود.

جواب شرط

نکته

گاهی «جواب شرط» فعل نیست و به صورت «جمله اسمیه» به کار می‌رود که در این صورت قبل از «جمله اسمیه» (مبتدا)، حرف «ف» می‌آید که معمولاً نیازی به ترجمه شدن ندارد.

مثال: ﴿وَمَنْ يَتَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ فَهُوَ حَسْبُهُ﴾: و هر کس بر خدا توکل کند، او برایش کافی است.

ادوات شرط فعل شرط جواب شرط (جمله اسمیه)

روش ترجمه جملات شرطی: در جملات شرطی، معمولاً «فعل شرط» (چه «ماضی» و چه «مضارع») به صورت «مضارع التزامی» و «جواب شرط» (چه «ماضی» و چه «مضارع») به صورت «مضارع اخباری» ترجمه می‌شود.

مثال: مَنْ يُحَاوِلْ كَثِيراً، يَصِلْ إِلَى هَدَفِهِ: هر کس بسیار تلاش کند، به هدفش می‌رسد.

ادوات شرط فعل شرط (مضارع) جواب شرط (مضارع) مضارع التزامی مضارع اخباری

إِذَا حَاوَلْتُ، نَجَحْتُ: هرگاه (اگر) تلاشی کنی، موفق می‌شوی.

فعل شرط (ماضی) جواب شرط (ماضی) فعل شرط (مضارع التزامی) جواب شرط (مضارع اخباری)

نکته

ادوات شرط «مَنْ»، «مَا» و «إِنْ» آخر فعل‌های مضارع را تغییر می‌دهند (غیر از دو صیغه «جمع مؤنث»): یعنی: صَمَّةُ (ع) آخر فعل را به ساکن (ع) تبدیل می‌کنند و نون آخر فعل «ن» و «ن» را حذف می‌کنند.

۲ يَجْتَهِدُونَ + «إِنْ» → إِنْ يَجْتَهِدُوا ...

۱ يَجْتَهِدُ + «إِنْ» → إِنْ يَجْتَهِدُ ...

۳ يَجْتَهِدُنَ + «إِنْ» → إِنْ يَجْتَهِدُنَ ... [جمع مؤنث بدون تغییر]

معرفة ونكرة

اسم معرفه، اسمی است که نزد گوینده و مخاطب شناخته شده است، ولی اسم نکره، ناشناخته است.

الف) اسم معرفه: اسم معرفه انواعی دارد، ولی با دو نوع آن آشنا می‌شویم:

۱- **اسم «ال» دار:** مهم‌ترین نشانه اسم معرفه، داشتن «ال» است؛ مانند: الْكِتَابُ / الْكِتَابُ / الْكِتَابِ

۲- **اسم خاص (عَلَمٌ):** در زبان عربی به اسم‌های خاص (نام مخصوص کسی یا جایی)، «اسم عَلَم» گفته می‌شود که گاهی «تنوین» می‌گیرند، ولی

نکره نیستند؛ مانند: حُسَيْنٌ ← معرفه / حَسَنٌ ← معرفه / عَلِيًّا ← معرفه

ب) **اسم نکره:** معمولاً هرگاه اسمی تنوین (ـُ، ـِ، ـِ) بگیرد، نکره است (به غیر از اسم‌های خاص)؛ مانند: كِتَابٌ ← نکره / كِتَابًا ← نکره / كِتَابٍ ← نکره

شیوه ترجمه اسم معرفه و نکره: در زبان فارسی، اسم معرفه علامتی ندارد؛ بنابراین اسم‌های معرفه را بدون در نظر گرفتن «ال» در آن‌ها ترجمه می‌کنیم.

مثال: الْكِتَابُ: کتاب (معرفه) / الْأَطْلَابُ: دانش‌آموزان (معرفه) / حُسَيْنٌ: حسین (معرفه)

اما اسم‌های نکره در فارسی «علامت» دارند و به سه صورت نشان داده می‌شوند:

۱ اسم + ی **مثال:** کتاب + ی = کتابی (نکره)

۲ یک + اسم **مثال:** یک + کتاب = یک کتاب (نکره)

۳ یک + اسم + ی **مثال:** یک + کتاب + ی = یک کتابی (نکره)

بنابراین کلمه «شَارِخ» را که یک اسم «نکره» است، می‌توان به سه شکل ترجمه کرد: ۱ خیابانی ۲ یک خیابان ۳ یک خیابانی

نکات

۱ هرگاه اسمی به صورت «نکره» بیاید و در ادامه، همان اسم همراه «ال» به کار رود، معمولاً «ال» آن اسم را به «این» یا «آن» ترجمه می‌کنیم.

مثال: رَأَيْتُ طَالِباً. كَانَ الطَّالِبُ فِي سَاحَةِ الْمَدْرَسَةِ. دانش آموزی را دیدم. آن دانش آموز در حیاط مدرسه بود.

نکره معرفه نکره ترجمه «ال»

۲ در جملات اسمیه، «خبر» معمولاً تنوین می‌گیرد (نکره می‌آید)، ولی ما آن را اغلب به صورت «معرفه» ترجمه می‌کنیم.

مثال: الْعِلْمُ كَنْزٌ. دانش، گنج است.

فهر (نکره) معرفه

مشاوره شب امتحان

دوستان عزیز، سلام

امتحان پایانی نوبت اول عربی یازدهم مربوط به درس‌های اول تا پایان متن و درک مطلب درس چهارم است. سؤالات معمولاً به پنج گروه کلی به شرح زیر تقسیم می‌شود:

الف) مهارت واژه‌شناسی (۲ نمره)

این گروه از سؤالات، معمولاً شامل چهار سؤال فرعی است:

- ۱- ترجمه کلماتی که زیرشان خط کشیده شده است: این کلمات در قالب جمله یا عبارت آورده می‌شود. (۵/۵ نمره)
- ۲- نوشتن کلمات مترادف یا متضاد: در این نوع از سؤالات، چند کلمه داده می‌شود و از شما خواسته می‌شود که از میان آن‌ها، کلمات مترادف و متضاد را مشخص کرده و بنویسید. (۵/۵ نمره)
- ۳- نوشتن مفرد یا جمع کلمات: در این سؤال، دو کلمه داده می‌شود که در یکی جمع آن کلمه و در دیگری، مفرد آن از شما خواسته می‌شود. (۵/۵ نمره)
- ۴- مشخص کردن کلمه ناهماهنگ از نظر معنا: معمولاً دو ردیف چهار کلمه‌ای داده می‌شود که در هر ردیف، یک کلمه از نظر معنایی با سه کلمه دیگر ناهماهنگ است که باید آن‌ها را مشخص کنید. (۵/۵ نمره)

ب) مهارت ترجمه به فارسی (۷ نمره)

این گروه از سؤالات، معمولاً شامل سه سؤال فرعی است:

- ۱- ترجمه جملات: در این سؤال معمولاً ۵ جمله داده می‌شود و ترجمه آن‌ها از شما خواسته می‌شود. (۵ نمره)
- ۲- انتخاب ترجمه درست: در این سؤال معمولاً دو جمله دوگزینه‌ای داده می‌شود که شما براساس قواعد ترجمه، باید گزینه درست را انتخاب کنید. (۵/۵ نمره)
- ۳- کامل کردن جاهای خالی در ترجمه فارسی: در این سؤال معمولاً ۲ جمله به همراه ترجمه ناقص داده می‌شود که شما با توجه به جمله عربی، باید جاهای خالی در ترجمه را پر کرده و ترجمه را کامل نمایید. (۱/۵ نمره)

ج) مهارت شناخت و کاربرد قواعد (۷/۵ نمره)

در این گروه از سؤالات معمولاً از ترجمه افعال در جملات، تشخیص فعل مناسب برای جای خالی، ترجمه افعال مختلف، تشخیص فعل مناسب برای جای خالی، تشخیص اسم تفضیل و اسم مکان، تشخیص اسم‌های معرفه و نکره، تشخیص ارکان جملات شرطی (ادات شرط، فعل شرط و جواب شرط) و بیان محل اعرابی (نقش) کلمات، تشخیص اسم فاعل، اسم مفعول یا اسم مبالغه و اعداد، سؤال طرّاحی می‌شود.

د) مهارت درک و فهم (۳ نمره)

در این گروه از سؤالات، معمولاً دو گونه سؤال می‌تواند طرّاحی شود:

- ۱- چند «کلمه» در سمت راست صفحه و چند «جمله» نیز در سمت چپ آن داده می‌شود و از شما می‌خواهند که هر کلمه از سمت راست را با جمله مرتبط با آن در سمت چپ صفحه مشخص کنید. (معمولاً یک یا دو کلمه اضافی خواهد بود). (۱/۵ نمره)
- ۲- یک متن کوتاه داده می‌شود و سپس حدود ۶ - ۵ سؤال از همان متن طرّاحی شده و از شما خواسته می‌شود که آن سؤالات به زبان عربی پاسخ دهید. (۱/۵ نمره)

توجه البته ممکن است به جای دو سؤال فوق، اولاً: چند کلمه عربی داده شود و سپس حدود ۶ جمله بیاید که هر کدام یک جای خالی دارند و از شما خواسته شود که جای خالی را با کلمات داده شده پر کنید که معمولاً دو کلمه اضافی است. (۱/۵ نمره)
ثانیاً: چند جمله به شما داده شود (معمولاً ۶ جمله) و از شما خواسته شود که براساس واقعیت و حقیقت، جمله درست را با علامت «✓» و جمله نادرست را با علامت «x» مشخص کنید. (۱/۵ نمره)

ه) مهارت مکالمه (۵/۵ نمره)

این گروه از سؤالات نیز معمولاً از دو سؤال فرعی تشکیل شده است:

- ۱- به سؤالات زیر پاسخ دهید: در این سؤال معمولاً دو سؤال که با کلمات پرسشی آغاز شده است، داده می‌شود و شما باید با توجه به «کلمه پرسشی» به سؤالات پاسخ دهید. (۲/۵ نمره)
- ۲- کلمات نامرتب را مرتب کنید: در این سؤال نیز چند کلمه به شما داده می‌شود و از شما خواسته می‌شود که آن‌ها را به گونه‌ای مرتب کنید که یک جمله کامل و معنادار ساخته شود. (۲/۵ نمره)

توجه داشته باشید که این سؤالات می‌تواند از متون کتاب درسی و یا از بخش «جوارات» کتاب درسی داده شود.

توجه سؤالات امتحان پایانی نوبت دوم از نظر نوع سؤالات و بارمبندی، دقیقاً همانند سؤالات پایانی نوبت اول است؛ با این تفاوت که سؤالات از کل کتاب طرّاحی می‌شود و معمولاً از دروس پنجم، ششم و هفتم سؤالات بیشتری طرّاحی می‌شود.

نمونه امتحان نیم سال اول		رشته: عمومی	عربی ۲																								
ردیف	امتحان شماره ①	مدت امتحان: ۷۰ دقیقه	kheilisabz.com نمره																								
الف) مهارت واژه‌شناسی (دو نمره)																											
۱	تَرْجِمِ الْكَلِمَاتِ الَّتِي تَحْتَهَا حَطًّا. الف) زَبِّ كَلَامٍ كَالْحُسَامِ. ب) تَنُمُو تِلْكَ الْجَوْزَةَ وَ تَصِيرُ شَجَرَةً.		۰/۵																								
۲	أَكْتُبِ الْمُفْرَدَ أَوْ الْجَمْعَ لِلْكَلِمَتَيْنِ. الف) جُزْرًا: ب) ظَاهِرَةً:		۰/۵																								
۳	عَيِّنِ الْكَلِمَةَ الْعَرَبِيَّةَ فِي الْمَعْنَى. الف) ذُنْبٌ كَلْبٌ عُرَابٌ ذَنْبٌ ب) أَرْزَقٌ أَحْضَرٌ أَكْرَمٌ أَحْمَرٌ		۰/۵																								
۴	أَكْتُبِ فِي الْفَرَاغِ الْكَلِمَتَيْنِ الْمُتَرَادِفَتَيْنِ وَالْكَلِمَتَيْنِ الْمُتَضَادَّتَيْنِ. (كَلِمَتَانِ إِثْنَتَانِ زَائِدَتَانِ). فُسُوقٌ - عَسَى - حَفِيٌّ - زَيْمًا - ظَاهِرٌ - عَجَبٌ الف) = ب) ≠		۰/۵																								
ب) مهارت ترجمه به فارسی (هفت نمره)																											
۵	كَمَلْ تَرْجِمَةَ هَذِهِ الْعِبَارَاتِ. الف) شَرُّ النَّاسِ مَنْ لَا يَعْتَقِدُ الْأَمَانَةَ وَلَا يَجْتَنِبُ الْخِيَانَةَ. ب) عَلَيْهِ أَنْ لَا يَتَكَلَّمَ فِي مَا لَيْسَ لَهُ بِهِ عِلْمٌ. ج) الشَّجَرَةُ الْخَائِنَةُ شَجَرَةٌ تَنُمُو فِي بَعْضِ الْعَابَاتِ الْإِسْتَوَائِيَّةِ. درختِ خفه‌کننده، درختی است که در برخی استوایی		۱/۵																								
۶	عَيِّنِ التَّرْجِمَةَ الصَّحِيحَةَ حَسَبَ قَوَاعِدِ الْمَعْرِفَةِ وَ النَّكِرَةِ. الف) يُوجَدُ نَوْعٌ مِنْهَا. (۱) نوع آن یافت می‌شود. (۲) نوعی از آن‌ها یافت می‌شود. ب) لُبُّ هَذِهِ الْأُتْمَارِ. (۱) مغزی از این میوه‌ها (۲) مغز این میوه‌ها		۰/۵																								
۷	تَرْجِمِ هَذِهِ الْعِبَارَاتِ. الف) لَا تَعْيَبُوا بِالْآخِرِينَ وَلَا تَلْقَبُوهُمْ. ب) أَعْلَمُ النَّاسِ، مَنْ جَمَعَ عِلْمَ النَّاسِ إِلَى عِلْمِهِ. ج) عَدَاوَةُ الْعَاقِلِ خَيْرٌ مِنْ صَدَاقَةِ الْجَاهِلِ. د) أَلْتَعَنْتُ طَرْحَ سُؤَالٍ صَعْبٍ يَهْدِي إِجَادَ مَسْئَلَةٍ لِلْمَسْئُولِ. هـ) ﴿و يَا آدَمُ اسْكُنْ أَنْتَ وَ زَوْجُكَ الْجَنَّةَ﴾ ز) تَكَلَّمُوا تُعْرَفُوا، فَإِنَّ الْمَرْءَ مَخْبُوءٌ تَحْتَ لِسَانِهِ.		۵																								
ج) مهارت شناخت و کاربرد قواعد (هفت و نیم نمره)																											
۸	عَيِّنِ الْكَلِمَةَ الصَّحِيحَةَ حَسَبَ الْفِعْلِ الْمَاضِي. <table border="1" style="width: 100%; text-align: center;"> <thead> <tr> <th>الْفِعْلُ الْمَاضِي</th> <th>الْفِعْلُ الْمُضَارِعُ</th> <th>فِعْلُ الْأَمْرِ</th> <th>الْمَصْدَرُ</th> <th>إِسْمُ الْفَاعِلِ</th> </tr> </thead> <tbody> <tr> <td>حَافِظٌ</td> <td>يَتَحَافَظُ</td> <td>حَافِظُ</td> <td>حِفْظٌ</td> <td>مُحَافِظٌ</td> </tr> <tr> <td>حَافِظٌ</td> <td>يَحَافِظُ</td> <td>حَفِيفٌ</td> <td>مُحَافِظَةٌ</td> <td>مُحَافِظٌ</td> </tr> <tr> <td>سَبَبٌ</td> <td>يَسَبِّبُ</td> <td>سَبَبٌ</td> <td>تَسْبِيبٌ</td> <td>مُسَابِبٌ</td> </tr> <tr> <td>سَبَبٌ</td> <td>تَسَبَّبَتْ</td> <td>سَبَبٌ</td> <td>أَسْبَابٌ</td> <td>مُسَبَّبٌ</td> </tr> </tbody> </table>	الْفِعْلُ الْمَاضِي	الْفِعْلُ الْمُضَارِعُ	فِعْلُ الْأَمْرِ	الْمَصْدَرُ	إِسْمُ الْفَاعِلِ	حَافِظٌ	يَتَحَافَظُ	حَافِظُ	حِفْظٌ	مُحَافِظٌ	حَافِظٌ	يَحَافِظُ	حَفِيفٌ	مُحَافِظَةٌ	مُحَافِظٌ	سَبَبٌ	يَسَبِّبُ	سَبَبٌ	تَسْبِيبٌ	مُسَابِبٌ	سَبَبٌ	تَسَبَّبَتْ	سَبَبٌ	أَسْبَابٌ	مُسَبَّبٌ	۲
الْفِعْلُ الْمَاضِي	الْفِعْلُ الْمُضَارِعُ	فِعْلُ الْأَمْرِ	الْمَصْدَرُ	إِسْمُ الْفَاعِلِ																							
حَافِظٌ	يَتَحَافَظُ	حَافِظُ	حِفْظٌ	مُحَافِظٌ																							
حَافِظٌ	يَحَافِظُ	حَفِيفٌ	مُحَافِظَةٌ	مُحَافِظٌ																							
سَبَبٌ	يَسَبِّبُ	سَبَبٌ	تَسْبِيبٌ	مُسَابِبٌ																							
سَبَبٌ	تَسَبَّبَتْ	سَبَبٌ	أَسْبَابٌ	مُسَبَّبٌ																							
۹	عَيِّنِ الْمَطْلُوبَ مِنْكَ. الف) إِسْمُ الْمَكَانِ: مَشْرِقٌ مَشَاهِدَةٌ أَكْمَلُ ب) الْإِسْمُ النَّكِرَةُ: الْكِتَابِ مَحَمَّدٌ شَجَرَةٌ		۱																								

		<input type="checkbox"/> إِنَّ <input type="checkbox"/> أَنْ <input type="checkbox"/> أَمْي	<input type="checkbox"/> إِنَّ <input type="checkbox"/> أَرْزَق	(ج) أداة الشرط: (د) اسم التفضيل:
١٠	١/٥	تَرْجِمِ الْأَفْعَالَ التَّالِيَةَ. (الف) كُنْتُمْ تَكْتَبُونَ: (ب) سَتَرَجَعُ: (ج) افْتَحَنَ: (د) لَا يَشَاهِدُونَ: (هـ) لَا تَضْرِبِي: (و) عَوَّدُوا:		
١١	٠/٧٥	عَيِّنِ الْفِعْلَ الَّذِي لَا يَنَابِسُ الْأَفْعَالَ الْأُخْرَى فِي النَّوْعِ. (الف) لَا تَلْمِزُونَ (ب) أَكَلْتُمْ (ج) أَذْكُرُوا (د) لَا تَنَابَرُوا (هـ) سَمَّيْنَا (و) حَرَّمْ (ز) لَا يَسْخَرُونَ (ح) يُحِبُّ (ط) تَجَسَّسْ (ي) لَا نَعْتَابُ (ق) قَالَ (ر) لَمَزْتُ		
١٢	١	عَيِّنِ اسْمَ التَّفْضِيلِ فِي الْعِبَارَةِ التَّالِيَةِ، ثُمَّ تَرْجِمُهُ إِلَى الْفَارْسِيَّةِ. أَحَبُّ هَذِهِ الْأُمُورِ، وَ أَعْلَمُ أَنَّ خَيْرَهَا أَوْسَطُهَا.		
١٣	١/٢٥	عَيِّنِ الْمَحَلَّ الْإِعْرَابِيَّ لِلْكَلِمَاتِ الَّتِي تَحْتَهَا حَطُّ. (الف) جَمَالَ الْعِلْمِ نَشْرُهُ. (ب) عَلِيكَ بِذِكْرِ اللَّهِ فَإِنَّهُ نُورُ الْقَلْبِ. (ج) «... يُخْرِجُ الْحَيَّ مِنَ الْمَيِّتِ» (د) طُوبَى لِمَنْ لَا يَخَافُ النَّاسَ مِنْ لِسَانِهِ.		
(د) مهارة درك و فهم (سه نمره)				
١٤	١/٥	ضَعِ فِي الْمَرْبَعِ الْحَرْفَ الْمُنَاسِبَ. (كَلِمَتَانِ اثْنَتَانِ زَائِدَتَانِ). (الف) آسِيَا (ب) أَلْمَيْتُ (ج) أَلْغَيْبَةُ (د) أُوْرُوْبَا (هـ) أَلْبَقْعَةُ (و) أَلْحِصَّةُ (ز) أَلْمُشَاغِبُ (ح) أَلْفُسُوقُ (أَلَّذِي لَيْسَ حَيًّا) (هِيَ مِنْ أَهَمِّ أَسْبَابِ قَطْعِ التَّوَاصُلِ بَيْنَ النَّاسِ). (قِطْعَةٌ مِنَ الْأَرْضِ). (أَكْبَرُ قَارَةٍ فِي الْعَالَمِ). (الَّذِي يُحَرِّبُ نَطْمَ الصَّفِّ). (الْوَقْتُ الَّذِي يَمُرُّ فِي الصَّفِّ لِلْمُعَلِّمِ وَ الْمُتَعَلِّمِ).		
١٥	٠/٧٥	اجْعَلْ فِي الْفُرَاغِ كَلِمَةً مُنَاسِبَةً مِنَ الْكَلِمَاتِ التَّالِيَةِ. (كَلِمَةٌ وَاحِدَةٌ زَائِدَةٌ). (الف) رَأَيْتُ وَوَلَدًا بِسُرْعَةٍ. (ب) «كَيْفَ يَهْدِي اللَّهُ قَوْمًا كَفَرُوا بَعْدَ هُمْ» (ج) الْأَسْعَازُ جِدًّا. إِيْمَانٍ - لَا يُسْمَعُ - يَمْشِي - غَالِيَةً		
١٦	٠/٧٥	درست <input type="checkbox"/> نادرست <input type="checkbox"/>	درست <input type="checkbox"/> نادرست <input type="checkbox"/>	عَيِّنِ الْجُمْلَةَ الصَّحِيحَةَ وَ غَيْرَ الصَّحِيحَةَ حَسَبَ الْحَقِيقَةِ. (الف) أَلْسَعِي لِمَعْرِفَةِ أَسْرَارِ الْأَخْرَيْنِ أَمْرٌ قَبِيحٌ. (ب) كَانَتْ مَكْتَبَةٌ جُنْدِي سَابُورٍ فِي خُوزِسْتَانِ. (ج) ثَمَانِيَّةٌ فِي أَرْبَعَةٍ يُسَاوِي أَرْبَعَةً وَ ثَلَاثِينَ.
(هـ) مهارة مكالمه (نيم نمره)				
١٧	٠/٢٥	رَتِّبِ الْكَلِمَاتِ التَّالِيَةَ حَتَّى تَصِيرَ جُمْلَةً صَحِيحَةً: «يُسَجَّلُ - النَّهَائِي - مَنْ - هَدَفًا - إِلَى - يَذْهَبُ»		
١٨	٠/٢٥	أَجِبْ عَنِ السُّؤَالِ التَّالِيِ. مَاذَا يَغْرِسُ الْمَزَارِعُ؟		
٢٠	٢٠	جمع نمرات		

۱- کلماتی را که زیر آن‌ها خط کشیده شده، ترجمه کن.

(الف) چه بسا سخنی که مانند شمشیر، [برنده] است.

(ب) آن دانه رشد می‌کند و [یک] درخت می‌شود.

۲- مفرد یا جمع دو کلمه را بنویس.

(الف) جُزْر ← جَزِيرَة (جزیره)

(ب) ظَاهِرَة ← ظَوَاهِر (پدیده‌ها)

۳- کلمه بیگانه (نامأنوس) در معنا را مشخص کن.

(الف) گرگ سگ دُم کلاغ

واژه‌های «دُثْب، کَلْب، غُرَاب» بر نام حیوان دلالت می‌کنند، ولی واژه «دَثْب: دُم» این چنین نیست.

(ب) آبی سبز

قرمز (سُرخ) گرمی‌تر، گرمی‌ترین

سه واژه «أَزْرَق، أَحْضَر و أَحْمَر» بر رنگ دلالت می‌کنند، ولی «أَكْرَم» این گونه نیست (اسم تفضیل است).

۴- در جای خالی، دو کلمه مترادف و دو کلمه متضاد بنویس.

آلوده‌شدن به گناه - شاید، امید است - پنهان -
شاید - آشکار - خودپسندی

(الف) عَسَى = زَيْمًا (ب) خَفِيَ ≠ ظَاهِر

۵- ترجمه این عبارتها را تکمیل کن.

(الف) بدترین مردم - اعتقاد نداشته باشد

(ب) دانشی - سخن بگوید (ج) جنگل‌های - رشد می‌کند

۶- ترجمه درست را براساس قواعد معرفه و نکره مشخص کن.

(الف) گزینۀ «۲»:

يُوجَدُ نَوْعٌ مِنْهَا: نوعی از آن‌ها یافت می‌شود.
فعل مضارع مجهول اسم نکره فعل مضارع مجهول اسم نکره

(ب) گزینۀ «۲»: لُبُّ هَذِهِ الْأَثْمَارِ: مغز این میوه‌ها

توجه: در ترکیب فوق، چون واژه «لُبُّ» مضاف است و به اسم اشاره «هَذِهِ» اضافه شده است، به صورت «مغز...» ترجمه می‌شود نه به صورت «مغزی...» (نکره). ضمناً حرف اضافه «از» نیز معادلی در جمله عربی ندارد. (هین: از)

۷- این عبارتها را ترجمه کن.

(الف) از دیگران عیب‌جویی نکنید و به آن‌ها لقب [زشت] ندهید.

(ب) داناترین مردم کسی است که دانش مردم را به دانش خویش بیفزاید.

(ج) دشمنی انسان دانا از دوستی انسان نادان بهتر است.

(د) مُجْ گیری، طرح یک سؤال سخت با هدف ایجاد زحمت برای پرسش‌شونده (مورد سؤال) است.

(ه) و ای آدم، تو و همسرت در بهشت ساکن شوید.

(و) گاهی قطر درخت سبکویا به ۴ متر می‌رسد.

(ز) سخن بگویند تا شناخته شوید، زیرا آدمی (انسان) در زیر زبان خود پنهان است.

۸- کلمه درست را براساس فعل ماضی مشخص کن.

حَافِظٌ (ماضی) - يُحَافِظُ (مضارع) - حَافِظٌ (امر) - مُحَافِظَةٌ (مصدر) - مُحَافِظٌ (اسم فاعل)

سَبَّبَ (ماضی) - يُسَبِّبُ (مضارع) - سَبَّبَ (امر) - تَسْبِيبٌ (مصدر) - مُسَبِّبٌ (اسم فاعل)

۹- مواردی را که از تو خواسته شده، مشخص کن.

(الف) اسم مکان

اسم مکان مصدر اسم تفضیل

(ب) اسم نکره

مُعَرَّفٌ به آل (معرفه) اسم عَلَمٌ (اسم خاص) اسم نکره

(ج) ادات شرط

ادات شرط نیست. ادات شرط نیست. ادات شرط

(د) اسم تفضیل

امر اسم تفضیل

۱۰- فعل‌های زیر را ترجمه کن.

(الف) می‌نوشتید (ماضی استمراری)

(ب) باز خواهیم گشت (مستقبل)

(ج) باز کنید (امر، جمع مؤنث مخاطب)

(د) نمی‌بینند (مضارع منفی، جمع مذکر غایب)

(ه) زن (نهی، مفرد مؤنث مخاطب)

(و) عادت بدهید (امر، جمع مذکر مخاطب)

۱۱- فعلی را که در نوع با فعل‌های دیگر هماهنگی ندارد، مشخص کن.

(الف)

مضارع منفی نهی

مضارع منفی مضارع منفی

(ب)

ماضی ماضی

مضارع ماضی

(ج)

امر امر

امر ماضی

۱۲- اسم تفضیل را در عبارت زیر مشخص کن، سپس آن را به فارسی

ترجمه کن.

خَيْرٌ ... : بهترین ... / أَوْسَطُ ... : میانه‌ترین ...

۱۳- نقش کلماتی را که زیرشان خط کشیده شده، مشخص کن.

(الف) «جَمَالٌ»: مبتدا / نَشْرٌ: خبر

(ج) الْحَيِّ: مفعول / الْمَيِّتِ: مجرور به حرف جرّ

(ب) اللَّهُ: مضاف‌الیه

(د) النَّاسِ: فاعل

۱۴- در مرتب، حرف مناسب را قرار بده. (دو کلمه، اضافی است.)

(الف) آسیا / أَكْبَرُ قَارَةَ فِي الْعَالَمِ. (آسیا است. / بزرگ‌ترین قاره در

جهان است.)

ردیف	امتحان شماره ۵	مدت امتحان: ۷۰ دقیقه	عربی	رشته: عمومی	نمونه امتحان نیم سال دوم نهایی خرداد ۱۴۰۲ - نوبت صبح
الف	۰/۵				تَرْجِمِ الْكَلِمَاتِ الَّتِي تَحْتَهَا حَطًّا: ۱- لَيْسَ لَنَا إِطَارٌ اِحْتِياطِيٌّ وَ لَا تَوْجَدُ سَيَّارَةً تَنْقُلُنَا إِلَى الْجَامِعَةِ. ۲- مَا كَانَتْ عِنْدَ الْعَرَبِ مُفْرَدَاتٌ كَالْمِسْكِ وَ الدِّبَاجِ.
ب	۰/۵				إِقْرَأِ النَّصَّ التَّالِيَّ فَارْتَبِ فِي الْفَرَاغِ الْكَلِمَتَيْنِ الْمُتَرَادِفَتَيْنِ وَ الْكَلِمَتَيْنِ الْمُتَضَادَّتَيْنِ: «كَانَ يَبْسُطُ طَائِلَ مَشَاغِبٍ وَ فِي الْحِصَّةِ الْأُولَى يَلْتَفِتُ مَرَّةً إِلَى الْوَرَاءِ وَ يَتَكَلَّمُ مَعَهُ وَ فِي الْاِمْتِحَانِ تَارَةً يَهْمِسُ إِلَى الَّذِي يَجْلِسُ أَمَامَهُ.» ۳- = ۴- ≠
ج	۰/۵				عَيِّنِ الْكَلِمَةَ الْغَرِيبَةَ فِي الْمَعْنَى: ۵- الْقَرْيَةَ <input type="checkbox"/> الْمَدِينَةَ <input type="checkbox"/> ۶- أَحْسَنَ <input type="checkbox"/> أَجْمَلَ <input type="checkbox"/> الْبِلَادَ <input type="checkbox"/> الشَّهْرَ <input type="checkbox"/> أَحْمَرَ <input type="checkbox"/> أَصْلَحَ <input type="checkbox"/>
د	۰/۵				أَكْتُبْ مُفْرَدًا أَوْ جَمْعًا الْكَلِمَتَيْنِ: ۷- أَلْعَبْتُ الْبِرَازِيلِي تَنْمُو أَثْمَارَهَا عَلَى جِدْعِهَا فِي الْغَابَاتِ الْإِسْتَوَائِيَّةِ. جِدْعُ (.....) الْغَابَاتِ (.....)
هـ	۵				تَرْجِمِ الْجُمْلَةَ التَّالِيَةَ: ۸- شَرُّ النَّاسِ ذُو الْوَجْهَيْنِ. ۹- طَوْبِي لِمَنْ لَا يَخَافُ النَّاسَ مِنْ لِسَانِهِ. ۱۰- هَلْ تَضْمَنُ أَنْ يُجِيبَ أَصْدِقَاؤُكَ مِثْلَ إِجَابَتِكَ؟ ۱۱- لَا يَسْبَبُ إِشْتِعَالَ زَيْتٍ شَجَرَةَ النَّفْطِ خُرُوجَ أَيِّ غَازَاتٍ مَلَوْنَةٍ. ۱۲- أَشَارَتْ شَيْمِلُ فِي إِحْدَى مَقَابَلَاتِهَا إِلَى الْأَدْعِيَةِ الْإِسْلَامِيَّةِ. ۱۳- قُمْ عَنِ مَجْلِسِكَ لِأَبِيكَ وَ مَعْلَمِكَ وَ إِنْ كُنْتَ أَمِيرًا. ۱۴- كَانَ تَأْتِيهِزُ اللُّغَةُ الْفَارْسِيَّةُ عَلَى اللُّغَةِ الْعَرَبِيَّةِ قَبْلَ الْإِسْلَامِ أَكْثَرَ مِنْ تَأْتِيرِهَا بَعْدَ الْإِسْلَامِ.
و	۰/۵				إِنْتَخِبِ التَّرْجَمَةَ الصَّحِيحَةَ: ۱۵- «أَنْزَلَ مِنَ السَّمَاءِ مَاءً فَتُصْبِحُ الْأَرْضُ مُخْضَرَّةً» <input type="checkbox"/> الف) از آسمان آبی فرورفتاد و زمین سرسبز می شود. <input type="checkbox"/> ب) از آسمان آبی فرورفتاد و زمین سرسبز شد. ۱۶- مَا فَعَلْتُ مِنَ الْخَيْرَاتِ، وَجَدْتُهَا دَخِيرَةً لِأَخْرَجِكَ. <input type="checkbox"/> الف) هر آن چه از کارهای نیک انجام دادی، آن را اندوخته ای برای آخرت خواهی یافت. <input type="checkbox"/> ب) هر چه از کارهای نیک انجام بدهی، آن ها را اندوخته ای برای آخرت می یابی.
ز	۱/۵				كَمَّلِ الْفَرَاغَ بِالَّتَرْجَمَةِ الصَّحِيحَةِ: «لَنْ تَنَالُوا الْبِرَّ حَتَّى تُنْفِقُوا مِمَّا تُحِبُّونَ» ۱۷- هرگز به نیکی مگر از آن چه که انفاق کنیدی. اِشْتَرَيْتُ حَقِيبَةً لِلشَّفْرِ وَ شَرِيحَةً وَ بَطَّارِيَّةً لِجَوَالِي. ۱۸- برای سفر و برای تلفن همراهم و باتری خریدم. اِسْتَلِمَ الْأَدْوِيَّةَ فِي الصَّبَدَلِيَّةِ الَّتِي فِي نِهَائِهِ مَمَرٌ الْمُسْتَوْصَفِ. ۱۹- داروها را از که در انتهای درمانگاه است، دریافت کن.
ح	۱				تَرْجِمِ الْأَفْعَالَ الَّتِي تَحْتَهَا حَطًّا: ۲۰- جَاءَ أَحَدٌ مُهَاجِمِي فَرِيْقِ الصَّدَاقَةِ، سَبَّسَجَلٌ هَدَفًا. ۲۱- يَجِبُ أَنْ يَكُونَ عَامِلًا بِمَا يَقُولُ. ۲۲- لِنَتَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ. ۲۳- قَدْ كَتَبْتُ عَلَى اللُّوحِ.
ط	۰/۵				عَيِّنِ نَوْعَ الْأَفْعَالِ فِي الْجُمْلَةِ التَّالِيَةِ: (الماضي، المضارع، الأمر، النهي) ۲۴- وَجَدْتُ بَرْنَامَجًا يُسَاعِدُنِي عَلَى تَعَلُّمِ الْعَرَبِيَّةِ.
ی	۰/۵				۲۵- عَيِّنِ فِعْلًا يُعَادِلُ الْمُسْتَقْبَلَ الْمَنْفِيَّ فِي اللُّغَةِ الْفَارْسِيَّةِ: <input type="checkbox"/> لا تجلسوا <input type="checkbox"/> لَنْ يَجْلِسَ <input type="checkbox"/> لِتَجْلِسَ <input type="checkbox"/> لَمْ يَجْلِسْ ۲۶- عَيِّنِ فِعْلًا يُعَادِلُ الْمَاضِيَ الْمَنْفِيَّ فِي اللُّغَةِ الْفَارْسِيَّةِ: <input type="checkbox"/> لا يجادلهم <input type="checkbox"/> لا تكتب <input type="checkbox"/> لَمْ تذهبوا <input type="checkbox"/> لِنَتَوَكَّلْ
ک	۰/۵				عَيِّنِ نَوْعَ الْأَسْمَاءِ: (اسم المبالغة و اسم المكان) ۲۷- ذَهَبْنَا فِي الْأَسْبُوعِ الْمَاضِي إِلَى مَعْبَدِ كَرْدُكَلَا فِي مُحَافَظَةِ مازندران بِالسِّيَّارَةِ.

ل	۰/۵	اجعل في الفراغ العدد الأصلي أو الترتيبي: ٢٨- اليوم من الأسبوع يوم الثلاثاء. ٢٩- مئتان تقسيم على اثنين يساوي
م	۰/۵	أكمل تزجمة هذه الجملة حسب القواعد التي قرأتها حول الجملة بعد النكرة: ٣٠- أفش عن معجم يساعدي في فهم النصوص. دنبال فرهنگ لغتي می گردم
ن	۱	انتخب الجواب الصحيح حسب القواعد التي قرأتها: ٣١- ﴿فَاصْبِرُوا حَتَّىٰ يَحْكُمَ اللَّهُ بَيْنَنَا﴾ (تا داوری کند - باید داوری کند - داوری خواهد کرد) ٣٢- لا تظلم كما لا تحب أن تظلم. (ستم نکن - ستم نکنید - ستم نمی کنی) ٣٣- ﴿لِمَ تَقُولُونَ مَا﴾ (لتفعلوا - لا تفعلوا - لا تفعلون) ٣٤- هو إلى الملعب غداً. (ما رجع - لم يرجع - لن يرجع)
س	۱	ترجم هاتين العبارتين حسب القواعد التي قرأتها: ٣٥- ﴿عَسَىٰ أَنْ تُحِبَّوْا شَيْئًا وَهُوَ شَرٌّ لَّكُمْ﴾ ٣٦- ﴿لَا تَحْزَنْ إِنَّ اللَّهَ مَعَنَا﴾
ع	۱	ترجم هاتين الجملتين حسب القواعد التي قرأتها في معاني الأفعال الناقصة: ٣٧- كانوا يكتبون رسائل. ٣٨- كنت ساكتاً و ما قلت كلمة.
ف	۱	عين المحل الإعرابي للكلمات التي تحتها خط: ٣٩- العالم حي وإن كان ميتاً. ٤٠- شاهدنا سنجاباً يفتيز من شجرة إلى شجرة.
ص	۱	عين الصحيح والخطأ: ٤١- المشاغب: ترك أمر الله، و ارتكاب المعاصي! ٤٢- الفاموس: الكتاب الذي يستعمل على معنى و شرح المفردات! ٤٣- التبجيل: هو أن تقوم بتكريم شخص و تعظيمه! ٤٤- المستشرق: الذي يعيش في الشرق و يحب الثقافة الشرقية!
ق	۰/۵	عين العبارة الفارسية المناسبة للعبارة العربية: ٤٥- أكلتم تمرى و عصيتم أمرى. (الف) هر چه پیش آید خوش آید. (ب) نمک خورد و نمکدان شکست. ٤٦- خير الأمور أوسطها. (الف) کم گوی و گزیده گوی چون دُر (ب) اندازه نگه دار که اندازه نکوست.
ر	۰/۵	عين الصحيح و الخطأ حسب الحقيقة: ٤٧- تبادل المفردات بين اللغات في العالم أمر طبيعي. ٤٨- السعي لمعرفة أسرار الآخرين أمر جميل.
ش	۱	اقرأ النص ثم أجب عن الأسئلة التالية: إن شجرة الرمان من الأشجار المعمرة، موطنها الأصلي إيران و منها إنتشرت في بلدان أخرى. يصل ارتفاعها إلى ستة أمتار و قد تعمُر إلى خمسين سنة و في الخريف تعطي ثمرتها و تسقط أوراقها و جاء ذكرها في القرآن الكريم ثلاث مرات. تبدأ بالإثمار في السنة الثالثة و لكن أعلى محصولها في السنة العاشرة. و أجد أنواع الرمان في اليمن ثم إسبانيا و الهند. و يساعد الرمان في العلاج و الوقاية من الأمراض السرطانية. ٤٩- متى تعطي هذه الشجرة ثمرتها الأولى؟ ٥٠- ما هي فوائد طيبة للرمان؟ عين الصحيح و الخطأ: ٥١- يبلغ طول هذه الشجرة إلى ستين متراً؟ أكمل الفراغ: ٥٢- أفضل أنواع الرمان، الرمان! الإيراني <input type="checkbox"/> اليمنى <input type="checkbox"/> الإسباني <input type="checkbox"/>
ت	۰/۲۵	أجب عن السؤال التالي: ٥٣- في أي بلاد تقع هذه الأهرام؟
ث	۰/۲۵	٥٤- رتب الكلمات و اكتب سؤالاً صحيحاً: كم - الرجالي - سعر - هذا - القميص؟ ستون ألف تومان.
	۲۰	جمع نمرات

